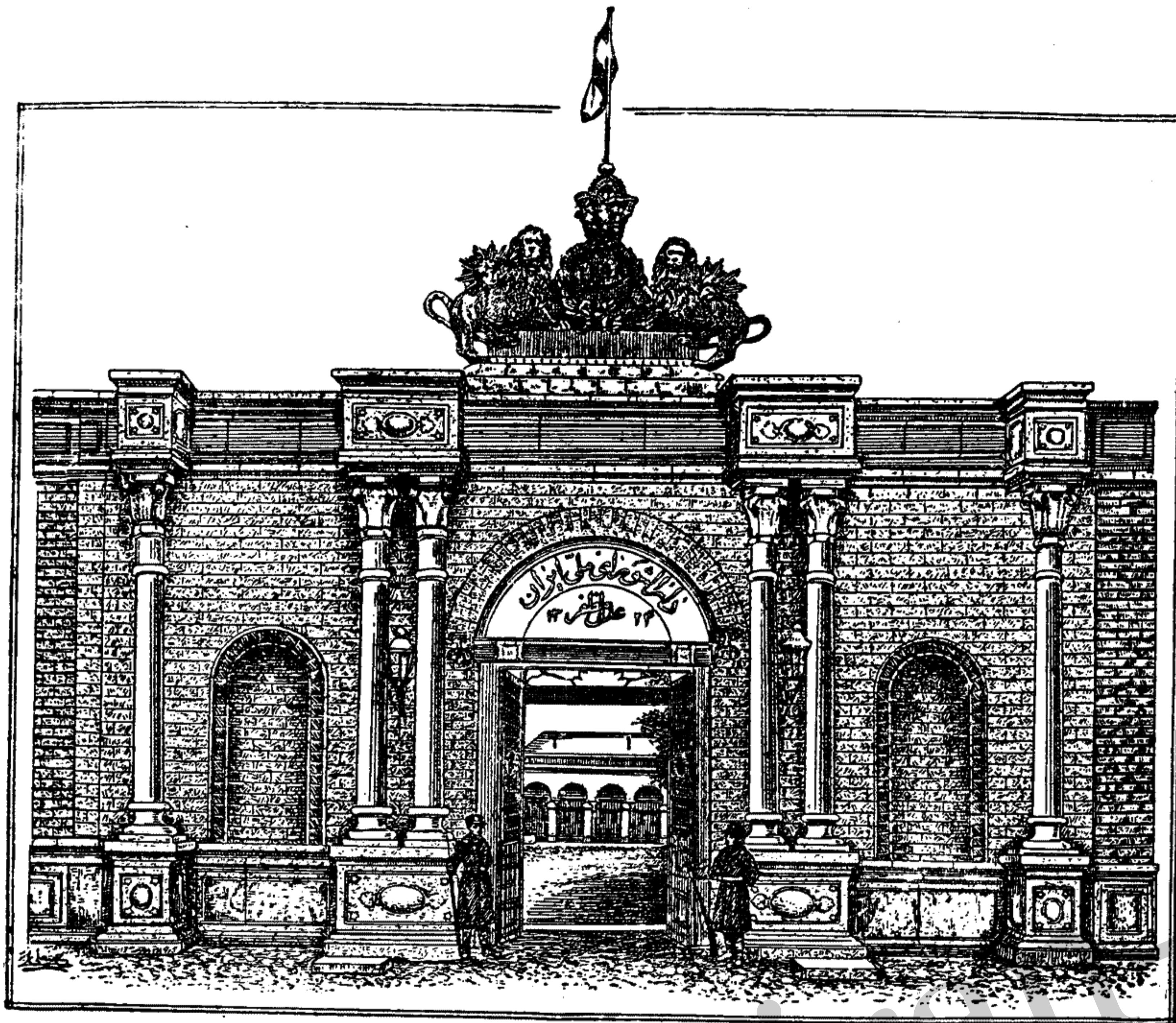


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۱۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۸۰</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه لیلہ یک شنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۰۶ مطابق ۴ رمضان المبارک ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراک داخله ایران سالیانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قرآن</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس لیلہ یک شنبہ ۶ اسفندماه ۱۳۰۶ مطابق ۴ رمضان المبارک ۱۳۴۶

جلسه ۲۱۵

(مجلس سه ساعت از شب گذشته
براست آقای پیرنیا تشکیل کردید)
(صورت مجلس سه شنبه اول اسفند
ماه را آقای نکهبان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان روحی - دشتی - نجومی - بهار - میرزا
حسن خان ونوق - محمود رضا - یحیی خان زنکنه
غائبین با اجازه جلسه قبل

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه مذاکرات نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به راه آهن جلفا و کشتی رانی دریاچه ارومیه و تصویب آن	۲۷۲۶	۲۷۳۲
۲	تعقیب شور ثانی نسبت بخر کمیسیون قوانین مالیه راجع به مالیات خالصجات انتقالی	۲۷۳۲	۲۷۵۱
۳	تعیین جلسات مجلس در لیالی رمضان	۲۷۵۱	۲۷۵۲
۴	قانون تخصیص عوائد راه آهن جلفا به تبریز و کشتی رانی ارومیه بمرمت و تکمیل مؤسسات مزبور تا مدت پنجسال	۲۷۵۲	

آقایان ، اعتبار - اسدی - اعظمی - نظام مافی - مهدوی - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک - بی سلیمان - حاج غلامحسین ملک -

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان " شیروان - دکتر سنک - جمشیدی - مازندرانی - زعیم

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان " شریعت زاد، - قوام شیرازی - عباس میرزا - غلامحسین میرزا رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای اعتبار الدوله را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بواسطه قضیه که برای ایشان پیش آمده بود در مجلس رحیم حضور داشتند خواستم استدعا کنم که امر بفرمایند اصلاح شود .

رئیس - کمیسیون مرخصی چند جلسه است تشکیل نشده . بعد از آنکه جلسه کمیسیون تشکیل شد تکلیف معلوم میشود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - يك تبصره مال آقای مدرس بود که پیشنهاد کرده بودند بعد آقای مدرس پیشنهادشان را مسترد کردند در صورت مجلس نوشته شده است آقای مخبر مسترد کرد خواستم تذکر بدم که اصلاح شود

رئیس - همینطور که میفرمائید نوشته شده است آقای روحی

روحی - در صورت مجلس خوانده شد که جلسه به دو ساعت از شب گذشته محول شد در صورتیکه هیچ معلوم نشد فقط گفته شد شب بکشتبه ممکن است غالب آقایان دیر آمده باشند به اینجه تذکر دادم که این قسمت اصلاح شود

رئیس - صورت مجلس اعتراضی ندارد ؟

(گفته شد خیر)

وزیر مالیه - بکفقره لایحه است راجع به اصلاح یکی از مواد بودجه ۱۳۰۶ مربوط به جمع آوری عایدات تذکره در ممالک خارجه لایحه دیگری است برای تقاضای چهل و پنج هزار تومان اعتبار برای مخارج تهیه وسائل نشریات و انتشارات در خارجه . يك فقره هم لایحه است که پنججاه هزار تومان از بودجه ۱۳۰۷ صحیه اجازه خواسته شده است از اضافاتی که برای صحیه در بودجه ۱۳۰۷ پیش بینی شده از حالا برای جلوگیری و تهیه بعضی امراض مسریه عراق و سرحدات اختصاص داده شود .

رئیس - راجع به راه آهن جلفا در جلسه گذشته مذاکراتی شده است و بعد گفته شده است مذاکرات کافی است ولی رای آن موکول به این جلسه شده است رای میگیریم . آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد ها قرائت میشود

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد میکنم بعد از عبارت ساختمان و مرمت نوشته شود و خرید لوازم و اثاثیه

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض شود این راه آهن غیر از تعمیراتی که لازم دارد بعضی نواقص دارد و مقداری اثاثیه هم لازم دارد که غالباً میروند به روسیه و خرید میکنند از قبیل واگون و لوکوموتیو و اینها و تصور میکنم این عبارت اینجا فراموش شده است این است که بنده پیشنهاد کردم بعد از تعمیر و مرمت اضافه شود خرید لوازم و اثاثیه .

شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) - یکمرتبه دیگر خوانده شود

(بشرح سابق خوانده شد)

مخبر - بنده موافقت میکنم با این پیشنهاد چون مقصود همین است

رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم پنجسال تبدیل شود به دو سال

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده در موقعیکه خود لایحه مطرح بود خواستم عراضی بکنم نوبت به بنده رسید بنده هیچ حکمتی در این نمی بینم و نمیدانم چرا پیش از دو سال بودجه باید پیشنهاد شود . يك اعتراض بنده هم این است که چرا عوائد را بدون مرکزیت میخواهند به مصرف محل رسانند حالا از این قسمت هم که بگذریم و صلاح در این باشد . برای راه آهن عمده مملکت هم که يك مبلغی در اینجا تصویب شد در ضمن شرط شد که سال به سال مخارج آنرا جزو بودجه کنند و بنده کجا میکنم که این ترتیب مخالف اصل بودجه باشد که بکدفعه پنجساله اعتبار داده شود و برای يك قضیه که شاید بعد ها خیلی نظیر پیدا کنند گویا مصلحت نباشد از اینجهت بود که بنده دو سال پیشنهاد کردم بلکه عقیده بنده بيك سال است

رئیس - آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا (رفیع) - عرض کنم اگر این قانون را میگذرانند و در اینجا قید میشد که بودجه اش نباید بیاید به مجلس بنده هم با شما موافقت می کردم ولی اینطور نیست بودجه اش الان در کمیسیون بودجه است ولی این برای خرج آن است و ما خواستیم يك قانونی بگذرانیم که در ظرف پنجسال این عایدی باین محل مصرف شود و این منافات ندارد برای اینکه حالا بودجه اش آمده سال دیگر هم بودجه اش می آید و هیچ عیبی ندارد . آقا اگر اطلاع داشته باشند از

کشتی رانی دریاچه ارومیه و وضعیت راه آهن آنجا موافقت خواهند فرمود که بهمین ترتیب بگذرد . البته اگر بمصرف خودش نرسیده هم قسم ممکن است سؤال کردو پرسید که بچه مناسبت بمصرف نرسیده است و بودجه هم ابداً مربوط به این موضوع نیست بودجه اش بعد ها بمجلس خواهد آمد حالا هم آمده است و در کمیسیون بودجه است

ارباب کیخسرو اجازه میفرمائید . اظهارات آقای رفیع هم مطابق پیشنهاد بنده بود . اگر قضیه همین است اینجا اضافه کنند که سال بسال بودجه اش میآید و بنده هم مسترد میدارم

مخبر - عرض کنم این يك قانونی است که ما وضع می کنیم که عایدات راه آهن جلفا و کشتی رانی دریاچه ارومیه جزو عایدات مملکتی نشود یعنی این عایدات منحصرأ بمصرف تکمیل راه آهن و کشتی رانی آنجا رسد و در حقیقت این يك لایحه بودجه نیست که ما بگوئیم دوره عمل دارد و ما بیش از يك دوره عمل نمیتوانیم رای بدهیم این يك قانونی است که فلان عایدی صرف يك مخارج مخصوصی بشود . از این قبیل لایحه هم سابقه دارد و خود آقای ارباب میدانند که از مجلس گذشته است و اینکه میفرمایند ما در اینجا ذکر کنیم که بودجه را بیاورند این مثل این است که ما يك قانونی وضع کنیم که وزراء بوظیفه قانونی خودشان عمل کنند این وظیفه دولت است که در تمام مسائل که جنبه بودجه دارد در هر سال بودجه اش را بیاورند چنانچه در همین ۱۳۰۶ بودجه راه آهن جلفا جزو بودجه فواید عامه آمده است و در آتیه هم باید این طور باشد و بنده تصور میکنم که خوب نباشد ما اینجا يك چنین کلمه را ذکر کنیم و استدعا می کنم موافقت بفرمایند که بهمین ترتیب باشد

ارباب کیخسرو - با این توضیحی که دادند که مقصود بودجه نیست بنده هم مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب .

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل به ماده واحده اضافه شود وزارت فوائد عامه مکلف است در ظرف یکماه پس از تصویب این قانون صورت جزء مخارج و بودجه جزء راه را تقدیم مجلس کند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اطلاعات ما که نماینده يك ایالت هستیم راجع به يك ایالت دیگر از اطلاعات نماینده آن ایالت است. آقای محمد ولی میرزا پرروز اینجا راجع به این مسئله يك شرحی بیان کردند و آن باعث شد که بنده ناچار شدم این تبصره را پیشنهاد کنم. اصل موضوع چیست؟ اصل موضوع این است که ما نمیخواهیم يك خرجی را بر سبیل کلیت اجازه دهیم به این معنی که مجلس شورای ملی حق تفتیش را نسبت به مخارج هیچوقت نباید از خودش بردارد و صورت جزء هر چیز را باید مجلس شورای ملی بداند. آقای شیروانی فرمودند صورت بودجه آمده است بنده که عضو کمیسیون بودجه هستم اطلاع ندارم. هنوز بودجه جزء وزارت فوائد عامه به کمیسیون نیامده است شاید در سو کمیسیون آمده باشد و با آن ترتیباتی که در کمیسیون هست تصور نمیکم موفق بشود که صورت بودجه را بیان کنند. آقای شیروانی اظهار کردند که این چهار هزار تومان است و ما الان میخواهیم به این ماده واحده چهار هزار تومان رای بدیم که مخارج آنجا بشود. بنده شرحی که بیان میکنم از قول نمایندگان آذربایجان است که اینجا تشریف دارند و کاملاً از وضعیت آنجا مطلع هستند و از بیاناتی که کردند مطلب بر بنده مشتبه شده است و برای اینکه حق تفتیش و نظارت مجلس شورای ملی باقی باشد بنده این تبصره را پیشنهاد کردم که صورت جزء بودجه آنجا را یکماه پس از تصویب این قانون به مجلس بیاورند چون آنجا اشخاصی هستند که این را تیول خودشان قرار داده اند بنده

که عقیده به تیول و در بست ندارم که همینطور با الله بنده که این عقیده را ندارم باین جهت پیشنهاد کردم که صورت جزء آن مخارج که خرج کشتی رانی دریاچه ارومیه میشود و خرج راه آهن آنجا میشود علیحده بیاورند. اگر صورت جزء ندارد و در بودجه فوائد عامه که پنج میلیون است این هم در يك جای آن پنهان است بنده این را صلاح میدانم. عرض میکنم این خرجش علیحده است و خرجش که علیحده شد بودجه اش هم باید علیحده باشد. بودجه اش را بیاورند ما به بینیم چیست؟ حالا من به بودجه کل کار ندارم میگویم این را که خرجش را علیحده میکنند و از بودجه کل بر میگردانند باید بودجه خودش علیحده تقدیم مجلس شود. این بود عقیده بنده.

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا.

(اینطور خوانده شد)

تبصره های ذیل را پیشنهاد میکنم:

۱ - دولت مجاز است بکنفر متخصص برای امور فنی کشتی رانی استخدام نماید

۲ - مخارج اداری راه آهن و کشتی رانی از مأخذ منظوره در ۱۳۰۲ تجاوز نخواهد نمود

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - بنده بطوریکه در جلسه قبل هم عرض کردم حالا هم در زمینه این پیشنهاد بطور اختصار عرایض خودم را تکرار می کنم. بنده تصور می کنم یکی از بهترین پیشنهاداتی است که در این دوره بمجلس آمده است این لایحه است که دولت به

مجلس آورده است و تصور نمیکم هیچیک از رفقا باین پیشنهاد رای ندهند و با اصولا مخالفی با این پیشنهاد داشته باشند. البته راه آهن و کشتی رانی ما باید دائر شود و در تحت يك اصول صحیحی باید اداره شود و این هیچ محل تردید نیست و بنده مختصر اعتراضی که در جلسه قبل کردم فقط از این نقطه نظر بود که بطوریکه باید رعایت نشده است و نظرم این بود که دولت بانهایت دقت باید طرز خرج این کار را در نظر بگیرد و کاری بکند که این راه آهن و کشتی رانی بتمام معنی يك مؤسسه مفیدی از نقطه نظر اقتصادیات برای ایالت آذربایجان و این قسمت از مملکت بشود و از این نقطه نظر است که بنده این پیشنهاد را کردم چون در قسمت کشتی رانی ما احتیاج بيك متخصص فنی داریم یعنی کسیکه مستحضر و بصیر باشد. شما باید مبالغی برای مرمت آنجا صرف کنید و البته باید کسی باشد که کاملاً مستحضر و طرف اعتماد باشد. نه این است که در ادوار اخیر مخارجی برای راه آهن و کشتی رانی آنجا نشده باشد ولی فقط قسمتی را که بنده در خاطر دارم که مفید هم واقع شده مخارجی است که در زمان تصدی آقای تیمور تاش در وزارت فوائد عامه شده است که يك اعتباری از مجلس درخواست کردند و با آن اعتبار چند فقره لوکوموتو و مقداری واگون اکتیاع شد که آنها امروز در آن خط قابل حرکت است و اگر آنها نبود امروز این خط موضوع نداشت و از این نظرات است که بنده این تبصره را پیشنهاد کردم و در قسمت دیگر از نقطه نظر مخارج اداری بنده متوجه میکنم دولت را باز هم بهمان عرضی که آروز کردم نباید اداره راه آهن يك حوزه بشود برای نگاهداری يك عده اشخاص مشکوک الهویه که معلوم نیست اینها کجائنی هستند و تابعیت ایشان معلوم نیست و این البته دارای مضراتی است که از هر جهت نباید از آنها احتراز بشود و از این نظر است که بنده جلب نظر آقایان را میکنم که در تدوین

بودجه کاملاً دقت فرمایند که يك بودجه متناسبی بیاورند نه اینکه از عده اعضاء فنی کاسته شود ولی باید خیلی دقت شود اشخاصی که آنجا هستند مطابق قوانین و مقررات که همیشه از طرف مجلس مراعات شده است و میشود باشند. تابع مسلم ایران باشند و بالاخره بدرد این کار هم بخورند و بطوریکه در جلسه قبل هم عرض کردم نباید بکنفر مترجم رئیس مالیه آذربایجان سمت ریاست فنی راه آهن را داشته باشد

مخبر - البته بنده هم با نماینده محترم تا درجه هم عقیده هستم که وضعیت اداری و ترتیبات راه آهن جلفا آنقدرها امید بخش نیست ولی تنها اداره راه آهن جلفا نیست. غالب ادارات ما هنوز تکمیل نشده است و يك سوء اداره جریان دارد و در هر صورت نباید از اینها جلوگیری شود و در موقع خودش اقدام شود ولی این يك عادتی شده است برای ما که هر وقت خواستیم يك قدم اصلاحی برای امری بز داریم تمام مسائل مربوط و غیر مربوط به آن امر را دخالت میدهم عجالةً لایحه است راجع باینکه عایدات راه آهن و کشتی رانی جلفا به خزانه دولت می آمده است و يك مبلغ محدودی را معین کرده بودند برای مخارج آن و خود ایشان هم تصدیق میکنند که غیر کافی است و بعلاوه این مؤسسه يك مخارج فوق العاده دارد تا کامل بشود و بالاخر این فکر پیدا شده است. حالا که این فکر پیدا شده است ما میخواهیم تمام اوضاع اقتصادی و مالی آذربایجان را ببالایحه راه آهن آنجا اصلاح کنیم اولاً این را باید خدمت نماینده محترم عرض کنم که این فکر در کمیسیون بودجه پیدا شد و دولت چنین لایحه اول نیارود در ضمن لایحه بودجه وقتی يك مبلغی برای مخارج راه آهن و کشتی رانی جلفا پیش بینی کرده بودند و ما میدانستیم همین وضعیت آسف آور راه آهن جلفا را و تحقیق هم کردیم عایدات آنجا را دیدیم گفتیم بهتر این است که این عایدی جدید را که دو سه سال است دولت رای

خزانه خودش پیدا کرده است صرف نظر کند و این عایدی را تخصیص بدهند برای تکمیل و اصلاح راه آهن جلفا و کشتی رانی دریاچه ارومیه و این فکر را ما بدولت دادیم و در بودجه کل مملکتی هم گنجانندیم و کمیسیون بودجه هم در يك سال قبل تصویب کرد و بودجه هم همانطوریکه مسبوقید بواسطه يك وضعیاتی که در این مملکت هست تاخیر افتاد این بود که دولت این را از بودجه خارج کرد و بطور يك لایحه جدا گانه آورد به مجلس حالا ما میخواهیم تمام کارهای جزئی و کلی که در مملکت مربوط به يك اداراتی است آنها را بیاریم و در ضمن این لایحه اصلاح کنیم اعضای آنرا ما کم و زیاد کنیم یا رئیسش را عوض کنیم یا متخصص برایش بیاریم! بالاخره اینها کار مجلس نیست. ما تصدیق می کنیم که باید تذکر داده شود که دولت وضعیات آنجا را اصلاح کند ولی حتی برای گرفتن يك عضو هم يك قانون بگذاریم این صحیح نیست کارهای مملکت باید تقسیم شود. کار يك شعبه وزارت فوائد عامه را میخواهیم در مجلس انجام دهیم این غلط است. در هر حال همانطور که در جلسه گذشته و در خارج نماینده محترم اظهار داشتند باید بدولت اعتبار بدهیم برای اصلاح راه آهن جلفا و از دولت بخواهیم که آنجا را اصلاح کند. این اول قدم اصلاح است. همه ما تصدیق می کنیم که وضعیت آنجا خراب است ولی مربوط بان لایحه نیست. عجالتاً ما باید تصدیق کنیم که عواید راه آهن جلفا صرف تکمیل خودش نشود راه تکمیلش را خود دولت باید پیدا کند و تکمیل کند

محدولی میرزا - مقصود بنده همین توضیحات بود مسترد میدارم

مخبر - عرض کنم چون همقطار بنده اظهارات بنده را تکذیب کردند که بودجه راه آهن بکمیسیون نیامده است بنده فرستادم عین بودجه را که دولت آورده است

آوردند اینجا و حاضر است

رئیس - پیشنهاد آقای بروجردی

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که عوض عبارت عایدات راه آهن جلفا و تبریز و کشتی رانی دریاچه ارومیه نوشته شود معادل عایدات در بودجه مملکتی تا پنج سال

رئیس - آقای بروجردی

بروجردی - بعد از مذاکراتی که در مجلس شد معین شد که خط آهن جلفا و کشتی رانی دریاچه ارومیه يك اصلاحاتی لازم دارد اولاً اصلاحاتی که لازم دارد تا پنجسال بدترین خرجها آن خرجی است که عایدی يك محلی را به آن خرج اختصاص بدهند معنایش این میشود که تا پنجسال این پول برای آنجا خرج شود و قبلاً يك جائی که انقدر خرابی داشته باشد و بخواهند آباد شود تا مدت پنجسال هر اندازه که از عایدات آنجا صرف اصلاح آن بشود آن نتیجه و فایده که از آن بابت پیدا شود پیدا نمیشود بعلاوه وقتی بنا شد هر مؤسسه که در این مملکت هست اگر عایدی داشت عایدش را اختصاص بدهند برای مخارجش پس باید مؤسساتی که فعلاً هست و مؤسساتی که بعد پیدا خواهد شد عوائدش اختصاص پیدا کند به مخارجش به اینجهت بود که بنده پیشنهاد کردم که نوشته شود معادل عایدات در بودجه مملکتی. نه از عایدات راه آهن.

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا (رفیع) - برای اطلاع نماینده محترم عرض میکنم که این مؤسسه بخصوص راه آهن جلفا یکی از مؤسساتی است که هر مقداری که برایش خرج بشود در همان سال علاوه دخل دارد. وزیر فوائد عامه اسبق نقل میکردند که دویت هزار تومان در آنجا خرج کردیم و چهار صد هزار تومان در سال اول عایدی برداشتیم. بنده کان میکنم يك مؤسسه که اینطور در

آن خرج بشود و اینطور عایدی داشته باشد بنده معتقدم که هیچ نباید معطل ماند. تا بیایند از بودجه مملکتی حواله کنند و از آنجا بگیرند بالاخره اصلاحات لازمه بتعویق میافتد اینجا يك مطالعاتی در این مؤسسه شده است و بالاخره اینطور صلاح دانسته اند که تا پنج سال عوائدش خرج خود آنجا بشود و شاید هم تا پنج سال محتاج نشویم که در آنجا مخارجی بکنیم و در سال اول و دوم درست شود ولی چون اینطور صلاح دانسته اند که تا پنج سال عوائد آنجا را صرف خود آنجا بکنند بهتر این است آقا هم تا همین ترتیب موافقت بفرمایند پیشنهاد خودشان را مسترد فرمایند

بروجردی - بنده مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود تا مدت سه سال عایدات تا به آخر فیروز آبادی بنده میخواهم اظهار ناسف کنم که چه شده است خط آهن به این خوبی ساخته شده و بتصرف ایران داده شده است و ایزانها خرج و دخل آنرا میزان میکنند و حالا نمیدانم چه شده است که عایدات دریاچه ارومیه را میخواهند بردارند و بتصرف خط آهن برسانند...

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست

فیروز آبادی - همینطور است. هر کدام باید عایداتش

در جلب خودش باشد و خرج خودش بشود چه شده است که این طریق شده است و چرا باید این طریق شده باشد که عایدات نداشته باشد و اینقدر کم عایدی داشته باشد. ما امید داریم خط های آهن بعد مان که کشیده میشود از آنها استفاده کنیم اگر خدای نخواستہ آنها هم مثل این بشود معلوم میشود اسباب یأس خواهد بود. حالا از این گذشته است. این جا نوشته شده است که تا پنجسال تمام عایداتش را خرج خودش بکنند

بنده پیشنهاد کردم که تا سه سال تمام عایداتش را خرج خودش بکنند و بعد از سه سال اگر محتاج نشد از سال چهارم برگشت کنند عوائد آنجا به خزانه دولت. این پیشنهاد بنده بود

مخبر - بنده از نماینده محترم استدعا میکنم که يك اظهارات را که میفرمایند بگذردی قبلاً مطالعه بفرمایند که شاید بعضی مطالب خوب نباشد در مجلس گفته شود این اولاً دوم اینکه این تأسف ها هیچ مورد نداشت برای اینکه راه آهن از این خرابتر بوده است که تحویل ما دادند و دولت ایزان خیلی خوب نگاه داشته است ولی حالا میخواهیم تکمیل کنیم و میگوئیم که عایدات خودش را صرف مخارج خودش بکنند و تکمیل کنند و بعقیده بنده ضرری ندارد

رئیس - رای میگیرم آقابانیکه این پیشنهاد را قابل

توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رای گرفته میشود بماده واحده با اوراق آقابانیکه موافقت اوراق سفید خواهند داد (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نود و يك ورقه سفید تعداد شد.

رئیس - عده حضار صد و دو با نود و يك رای تصویب شد.

اسامی رأی دهندگان

طباطبائی دیبا - حقنویس - میر ممتاز - محمد ولی میرزا - وکیل طباطبائی - ملک آرائی - دیوان بیگی ایلخان - دولتشاهی - خواجوری - اسکندری - ذوالقدر جلالی - آقاسید یعقوب - خطیبی - ملک مدنی - زوار بهبهانی - ثقة الاسلامی - محقق - نگهبان - عمادی فرمند - امیر نیمور - کلالی - شبروان - دکتر سنک رفیع - عراقی - حاج میرزا مرزقی - افسر - جمشیدی

مازندرانی - شیخ محمد علی امام جمعه شیراز - نوبخت شریعت زاده - میرزا عبدالحسین - ملک ابرج یورتیمور حیدری - احتشام زاده - روحی - فرهمند افشارنجومی ارباب کیخسرو - آقا سید کاظم یزدی - فهیمی - حاج میرزا حبیب الله امین - دکتر لقمان - دکتر هادی طاهری لایحین - میرزا مسعود - سلطان محمد خان عامری - میرزا هاشم آشتیانی - عدل - ثقة الاسلام بروجردی - امام جمعه اهر - حاج آقا حسین زنجانی - میرزا ابراهیم آشتیانی - بدر - باسائی - امیر اسدالله خان عامری - مولوی - آقا زاده سبزواری - سید حسین آقاییان - افخمی اسفندیاری - موقر - مرافعی قلیخان بیات - فومنی - دکتر رفیع خان امین - لیقوانی - معظمی - والی زاده میرزا عبدالله خان وثوق - عباس میرزا - سید علی اکبر آیت الله زاده اصفهانی - شیخ الاسلام ملابری - جهانشاهی حشمتی - صالحی - وزیری - محمد تقی خان اسعد - سهراب خان ساکینیان - حاج علی اکبر امین - دادگر ابراهیمی - اسکندر خان مقدم - آقا علی زارع - پالیزی مفتی - تقی زاده - فرشی

رئیس -- بقیه پیشنهادات ماده دوم خالصات انتقالی قرائت میشود پیشنهاد آقای ضیاء (بندجو ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میشود ماده دوم بطریق ذیل اصلاح گردد: ماده ۲ - در مورد اختلافات حاصله بین دولت و متصرفین در حدود ماده اولی به محاکم عدلیه رجوع و یا در صورت تراضی طرفین رفع اختلاف بطریق حکمیت خواهد شد تا آخر ماده

رئیس -- آقای ضیاء

ضیاء - این جا نوشته شده است که رفع اختلاف بطریق حکمیت خواهد بود در حالی که غالباً معتقد هستند به این که باید رعایت قانون اساسی بشود و تمام قضایا و اختلافات به محاکم عدلیه رجوع شود. بنده این جا اینطور پیشنهاد کردم که نوشته شود بتراضی

داشته اید، پس این نگرانی را که بعضی آقایان اینجا اظهار فرمودند که دولت شخص قوی است و طرف دولت ضعیف است تصور میکنم مورد نداشته باشد زیرا در این جا يك طرز حکمیتی معین شده است که اگر درست دقت فرموده باشند این طرز حکمیت يك طریق عادلانه است و دیگر در این قسم حکمیتش که درست شده است نمیشود گفت که حکمهایی که از طرف دولت معین میشوند مجبور هستند مراعات نظریات دولت را بکنند در اینجا بکلی طریق حکمیت فرق کرده است و طرفین با رضایت یکدیگر يك شخص ثالثی را تعیین میکنند و اگر طرفین در شخص ثالث توافق پیدا کردند حکمهای طرفین چهار نفر را معین میکنند از بین آنها بقرعه يك نفر را انتخاب میکنند و بنده تصور میکنم که این طریق خیلی برای قطع و فصل دعاوی.

رئیس -- رای گرفته میشود...

ضیاء - استدعا میکنم يك مرتبه دیگر خوانده شود چون اغلب آقایان نبودند (بشرح سابق خوانده شد)

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده ماده ۲ را به این قسم اصلاح آنرا پیشنهاد می کنم:

ماده ۲ - در مورد اختلافات بین دولت و متصرفین در حدود ماده اولی رفع اختلاف برضایت طرفین یا يك طرف به طریق حکمیت خواهد شد

رئیس -- فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده نظر باینکه تولید مشکلات و زحمان برای طرفین نشود و بحکمیت هر مطلبی که اصلاح

شود و حکمیت بهتر از ارجاع به عدلیه است بنده پیشنهاد کردم که بحکمیت این معامله خاتمه پیدا کند که اسباب زحمت بجهت دولت و متصرف فراهم نشود

رئیس -- آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم این ماده اساساً برای همین منظور آقای فیروز آبادی تنظیم شده است و این پیشنهاد ایشان هم وافی نظرایشان نبود و تصور میکنم در ماده از اول تا آخرش طرز حکمیت را معین کرده و این پیشنهاد دیگر وارد نیست رئیس -- رای میکنیم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای رفیع.

(اینطور خوانده شد)

به پیشنهاد آقای شریعت زاده اضافه شود:

تبصره دوم - اگر حکم دولت عمداً از حضور امتناع ورزید حکم و تشخیص سایر اعضاء حکمیت قطعی خواهد بود.

رئیس -- آقای حاج آقا رضا

حاج آقا رضا (رفیع) - اغلب اتفاق می افتد که در موقع حکمیت يك نفری از طرف دولت می آید پس از اینکه آمد واستشام کرد که دولت دارد محکوم میشود میگذازد و میرود و هر چه میفرستند عقبش نمی آید و بالاخره فرصتاً مجبور هم که شد بیاید استعفا میدهد بالاخره باید نزاع رفع شود. این مثل استروکسیون میباشد پس باید نزاع را قطع کرد خبر میدهند که باید حکم هارا معین کرد. يك نفر از طرف مدعی و يك نفر هم از طرف دولت میانند پس از آنکه آمدند باید قضیه قطع شود و اگر آن شخص نیاید هر طور سایرین حکمیت کردند قاطع باشد این است نظر بنده

مخبر - نظر آقای رفیع اساساً خوب است که اگر حکم دولت حاضر نباشد برای قطع دعوی سایرین عمل

را خانمه دهند ولی يك ايرادی دارد که نوشته اند که اگر حاضر نشد ممکن است اگر ازروز اول حاضر نشد حکم دیگر معین کنند
رفیع - عمداً عرض کردم

مخبر - حالاً خوب است مقرر فرمائید دوسه پیشنهادی که در این زمینه است آنها هم قرائت شود و رویهمرفته نتیجه بگیریم و عیبی هم درکار پیدا نشود
رفیع - بنده اضافه میکنم در ظرف يك هفته
رئیس - میانند تا سایر پیشنهادها قرائت شود پیشنهاد آقای خطیبی .

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را در ماده ۲ پیشنهاد میکنم :
تبصره - خالصجاتی که بموجب فرمان دفتری شده در تصرف اشخاص بوده و فعلاً مورد تعرض اشخاص و تصرف دولت است رفع اختلاف بطریق مذکور فوق بعمل خواهد آمد .

رئیس - آقای خطیبی

خطیبی - عرض کنم چون برای رفع اختلاف و اقامه دعوی برای دولت مراعاتی در این لایحه قائل شده اند و این امتیاز را برای اشخاص قائل نشدند این بود که بنده این پیشنهاد را کردم که اگر دیگران هم نسبت به دولت اعتراضی داشته باشند بطور حکمیت خانمه داده شود
مخبر - اظهار آقای خطیبی صحیح است زیرا ما در قانون نوشته ایم که (متصرفین) و متصرفین کسانی را شامل میشود که در این تاریخ املاکی را متصرفند ولی املاکی هم هست که بموجب فرامین رسمی دفتری شده مدتها در تصرف اشخاص بوده است شاید امروز که این قانون میگردد دولت تعرض به آنها بکند و بر تصرفشان اعتراض کند در صورتیکه البته باید ختم غائلشان به حکمیت بشود . لهذا بنده تبصره ایشان را میتوانم بپذیرم که به ماده اضافه شود .

رئیس - پیشنهاد آقای استرابادی .

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را ماده ۲ پیشنهاد میکنم :
این حکمیت در کلیه موارد اختلاف بین دولت و افراد در خالصه انتقالی و غیر انتقالی معتبر است
رئیس - آقای استرابادی

(آقای استرابادی اظهاری نکردند)

رئیس - آقای استرابادی پیشنهاد جنابعالی قرائت شد توضیح بدهید

استرابادی - بنده پیشنهادی نداده ام

رئیس - دوباره قرائت میشود .

(بشرح سابق خوانده شد)

استرابادی - مقصود بنده از این پیشنهاد این بود که تفاوتی مابین خالصه انتقالی و غیر انتقالی نباشد و بطور کلی اگر يك اختلافی در خالصجات پیدا شد طرز حکمیت بطور مقرر در ماده اجرا شود چنانچه در خالصجات انتقالی رجوع به حکمیت میکنند، زیرا در قضایای خالصجات خیلی اشکالات هست مثلاً يك افرادی سالهای سال است يك ملکی را متصرفند فقط دولت بعنوان اینکه در رقبه اسم این ملک هست ملک را از تصرف آن اشخاص خارج میکند آنوقت میگوید شما بروید محاکمه کنید بنده مقصودم این بود که بند تصرف حجت است افرادی که يك ملکی را متصرفند اگر دولت به آنها ادعائی دارد یا آنها بر دولت در ملک دیگری ادعائی دارند به حکمیت قطع و فصل شود .

مخبر - اظهار آقای استرابادی هیچ مربوط به این قانون نیست زیرا مقصود ما املاکی است که يك وقت خالصه بوده است و فعلاً در تصرف اشخاص است ما میخواهیم ملکیت آنها را قطعی کنیم چه مربوط است به املاک دولت و خالصجات !

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند

قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای دکتر سنک

(بشرح آتی خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم :

مادامی که هیئت حاکمه رای خود را ابلاغ نکرده است ملک در تصرف متصرف خواهد بود

رئیس - آقای دکتر سنک

دکتر سنک - این تبصره را در موقعی بنده پیشنهاد کردم که آقای شریعت زاده اصلاحی در ماده دوم نفرمودند و تصور میکنم بعد از پیشنهاد ایشان نظر بنده تأمین شده باشد

مخبر - بلی در تبصره هست .

رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی

(اینطور خوانده شد)

تبصره ذیل به ماده ۲ اضافه شود :

تبصره - چنانچه از سنه ۱۳۰۷ به اینطرف املاک اشخاصی را دولت بعنوان خالصگی ضبط و تصرف نموده باشد بقراری که در ماده ۲ مصرح است دعوی طرف قطع خواهد شد

رئیس - آقای دهستانی

بکنفر از نمایندگان - نیستند

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم :

خالصجاتی که بموجب فرمان دفتری شده در تصرف اشخاص بوده و فعلاً مورد تعرض یا تصرف دولت است رفع اختلاف بطریق مذکور فوق بعمل خواهد آمد .

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - چون نظر بنده در ضمن پیشنهاد آقای خطیبی تأمین شده است مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای باسائی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را به ماده دوم پیشنهاد میکنم
تبصره - کلیه حکم های طرفین باید مقیم آن حوزه مالیه باشد که ملک متنازع فیه در آن حوزه واقع است و باید لا اقل سواد فارسی داشته باشد .

رئیس - آقای باسائی

باسائی - پیشنهاد بنده توضیح زیادی لازم ندارد دو قسمت است يك قسمت راجع به حوزه بندی است که از نقطه نظر صلاحیت آن حوزه ها در آن کار باید اشخاصی حکم باشند که مقیم آن حوزه که ملک در آن واقع است باشد . همانطوریکه در محاکم عدلیه حوزه بندبهای میشود که صلاحیت هائی برای آن محاکم در رسیدگی به دعاوی قائل شده اند همینطور هم ما باید قائل شویم که حکم هائی که از طرفین معین شوند اهل محل و مقیم آن حوزه باشد که ملک در آنجا است برای اینکه اگر فرضاً مالیه بخواند برای املاک شیراز حکمهایی از خراسان یا تبریز معین کند بعقیده بنده صحیح نیست چون ممکن است یکی از طرفین برای طرفه بخوانند این کار را بکنند . این است که بنده پیشنهاد کردم که حکمها مقیم آن حوزه مالیه باشند که ملک در آنجا واقع است يك قسمت دیگر پیشنهاد بنده راجع به سواد بود که اشخاصی که حکم میشوند لا اقل سواد فارسی داشته باشند که بتوانند رسیدگی کنند، البته وزارت مالیه اشخاص بی سواد معین نخواهد کرد ولی ممکن است اشخاص این کار را بکنند

مخبر - این پیشنهاد را بنده قبول میکنم

زعیم - نمیشود غلط است

رئیس - (خطاب با آقای زعیم) اگر اعتراضی دارید پیشنهاد بفرمائید پیشنهاد آقای عمادی (بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲ بعد از عبارت در مدت مزبوره حکم خود را ضمیمه شود: بدون عذر موجه تا آخر.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض کنم مقصود بنده از این پیشنهاد این است که در اینجا نوشته شده است اگر طرف در داخله باشد شاه و اگر در خارجه باشد يك سال این بر سبیل اطلاق است و برای اشخاصی که صاحب عذر موجهند مضر است برای اینکه ممکن است آن کسی که در خارجه است يك عذر موجهی داشته باشد که نتواند در يكسال بیاید این جا و یا در داخله در ظرف شاه بواسطه يك عذر موجهی نتواند اقدام کند. این است که بنده پیشنهاد کردم که در این جا ضمیمه شود: بدون عذر موجه و آقای مخبر هم خوب است این را قبول بفرمایند.

مخبر - این بدون عذر موجه را هم بنده از طرف ایشان قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای ثابت

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میتمام عبارت ذیل به آخر ماده دوم اضافه شود.

و هر گاه شخص ناک معترض باشد در موضوع دعوی نسبت به دوات و یا متصرف به ترتیب حکمیت در همین ماده قطع دعوی خواهد شد

رئیس - آقای ثابت

ثابت - مقصود بنده در ضمن اظهارات و پیشنهاد آقای خطیبی نامین شد. استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای روحی عین پیشنهاد آقای دکتر طاهری است. این است که دیگر نمیشود قرائت شود پیشنهاد آقای شیروانی (اینطور قرائت شد)

تبصره ذیل پیشنهاد میشود:

هرگاه یکی از حکمین در انجام وظیفه قانونی عمداً مسامحه نمودند رفع اختلاف به محاکم صالحه عدلیه مراجعه خواهد شد

رئیس - تأمل بفرمائید پیشنهاد دیگر هم که در این زمینه است قرائت شود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل به ماده دوم اضافه شود: در صورتیکه یکی از طرفین از تمکین رأی حکمیت خود داری نماید طرف دیگر میتواند برای اجراء آن به عدلیه مراجعه و عدلیه مکلف است نتیجه حکمیت را بموقع اجرا گذارد

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم چون برروز در جلسه سابق راجع به اصل حکمیت و ترجیح آن به ارجاع این قبیل مسائل به محاکم صالحه نماینده محترم آقای شریعت زاده این جا يك اظهاراتی فرمودند بنده مجبور شدم و در همان روز این پیشنهاد را کردم و میخواهم باینکه البته بنده در مقابل ایشان که متخصص در این مسائل هستند نباید خیلی اظهار عقیده کنم ولی باید معایب را عرض کنم عرض کنم که نماینده محترم تصدیق میفرمایند که انجام وظیفه در مقابل اخذ حقوق است غیر از این فلسفه ندارد اگر يك کسی که حقوق نمیگیرد و مجازاً از نظر اخلاقی یا از نقطه نظر های دیگر که يك وظیفه را قبول میکنند طرف مقابل حق ندارد که او را ملزم کند که تو این وظیفه را که بعهده گرفته حتماً باید به پایان برسانی. بنده يك نفر را که طرف اعتماد من است، رفیق من است آدم درستی

هم هست برای حکمیت در يك امری تعیین میکنم چهار ماه، پنجماه، سه ماه هم مدت حکمیت است، توی کل وشل، کرد و خاك آفتاب تابستان سرمای زمستان بالاخره چند جلسه می آید و می بیند که کار بجائی نمیرسد خسته میشود و پنجروز به آخر مدت حکمیت مانده استعفا میدهد. این مسئله نظایر دارد الان شاید خود آقای شریعت زاده انواع و اقسام آنرا در جریانات برخوردار باشند. کار رسیده است به پنجروز به آخر مدت قانونی حکمیت حکم بنده که طرف دولت هستم استعفا داد حالا باید چه کرد؟ در اینجا يك مواد و قوانینی نیست که کار وقتی که به اینجا رسید حکم کند باید برگردند و دو مرتبه کار را از سر بگیرند و باید يك حکم دیگر معین کرد بجای او و او هم يك آدمی است که میکوبد من که نمیتوانم در ظرف پنجروز تمام مطالب دوسیه را بفهمم باید يك تمدید مدت بشود تا من يك مطالعاتی بکنم و دوسیه را بفهمم که چه جور باید رأی داد این يك طرف است. طرف دیگر که دولت است بنده در جلسات قبل در شور اول این لایحه عرض کردم که نظیرش را خود بنده در جریانش بودم که سه مرتبه، چهار مرتبه حکمیت تجدید شده است موقع اخذ نتیجه که شده است دولت دیده است که محکوم میشود به حکم گفته است استعفا بده و قضیه کلکی ازین رفته است دو مرتبه طرف مقابل دوباره و آن ادارات مالیه را که ما میدانیم چه جور مؤسسه است همه را طی کرده و کلیه دوائر مربوطه مالیه را بالاخره در يكسال سیر کرده تا اینکه نتیجه گرفته است که تجدید حکمیت شود و سه ماه هم مدت حکمیت را قرار دادند آنوقت فرضاً حکم مشترك در يك جلسه نیامده است یا بعضی جلسات تشکیل نشده است بالاخره موقع اخذ نتیجه که شده است حکم دولت باز استعفا داده است و اینکار طوری دور تسلسل پیدا کرده است بشکلی که هیچوقت کار بیابان نمیرسد این است که عقیده ما این بود که دولت هم مثل سایر افراد مملکت

همانطور که منازعه بنده و دیگری از افراد مردم در عدلیه حل میشود کار های دولت و افراد هم برود به عدلیه و مطرح شود، این جا يك منطقی مخالفین این عقیده داشتند که طول میکشد بنده هم عرض میکنم که مطابق عمل و فلسفه این ترتیب بیشتر طول میکشد تا اینکه به محاکم صالحه رجوع شود. يك پایان و انتهائی دارد که دیوان تمیز است که در آنجا اگر موضوع را ابرام کردند مطلب تمام شده است ولی حکمیت مردم و دولت هیچ وقت پایان ندارد و با این ترتیب يك مملکتی را دچار اشکال خواهیم کرد. عجله در اینجا تصدیق شده است که باید این مسائل به حکمیت حل شود ما يك فرض میکنم که يك امری به حکمیت خاتمه پیدا نکرد و پس از مدت مقرر مثلاً یکی از حکمهای طرفین برای خاتمه دادن قضیه حاضر نشد آنوقت عقیده بنده این است که برود به محاکم صالحه. و بنده میتوانم با پیشنهاد نماینده محترم آقای رفیع هم موافقت کنم ولی میترسم که يك معایبی پیدا کند یعنی حکم دولت را فرمودند اگر استعفا کرد این طور بشود بنده عرض میکنم که آیا ممکن نیست دولت حکم مدعی را تهدید کند که برود استعفا بدهد؟ حکمی را که بنده معین میکنم ممکن است يك کارهائی در وزارت مالیه داشته باشد و به او بگویند که برود استعفا بدهد و او هم این کار را خواهد کرد باز قضیه خنثی خواهد ماند بنده عرض میکنم که اگر در حکمیت قضیه مطابق قوانین و مقررات قانونی جاریه اصلاح نشد موضوع به محاکم صالحه ارجاع شود که در آنجا خاتمه پیدا کند و يك پایان برای این کار قائل شویم و حکمیت به دولت يك ضرری برای مردم نداشته باشد

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - آقای شیروانی توجه بفرمائید توضیحاتی که نماینده محترم دائر به اظهار مخالفت با اجرای اصل حکمیت دادند بنظر من متضمن دلایل قوی دائر به مخالفت نبوده است بعلاوه تصور می

کنم که خود ایشان هم که همیشه طرفدار تسهیلات در فصل دعاوی هستند اساساً با این اصل مخالفت نکنند منتها بر حسب وضعیاتی که در بعضی اوقات مشاهده کرده اند تصور کرده اند که ممکن است تشخیص نتیجه از ارجاع به حکمیت بتأخیر افتد و به این جهت تصور کرده اند که اسباب زحمتی برای اشخاص میشود در صورتیکه اگر نسبت به مطلق دعاوی بین افراد و دولت را میفرمودند ممکن بود این وضع صحیح باشد ولی نسبت به خالصجات انتقالی اصلاً این فرض صحیح نیست زیرا بر طبق قسمت دیگری که تصویب شده معین میکنند که اشخاصی که متصرف در املاکی هستند و دولت مدعی است که آن املاک خالصه انتقالی است مادامی که هیئت حکمیت رای نداده است دولت نمیتواند سلب تصرف از آنها بکند به این جهت برای متصرفین ضرر و زیانی متصور نیست یعنی هر وقت دولت خواست این دعاوی خودش را تعقیب کند مجبور است که مطابق اصول حکمیت تعقیب کند و اگر نکرد املاک مردم مضمون از تعرض است. قسمت دیگر که فرمودند انجام وظیفه در مقابل اخذ حقوق است البته برای دولت مانعی نیست که اگر حکمی را معین میکنند حق الزحمه برای او معین کنند و آن کسی هم که حکمی را معین میکنند ممکن است حق الزحمه برای حکم خود معین کند. بعلاوه الان در قسمت مهمی از اروپا هست که اشخاصی که وارد در اجزای و اتحادیه ها میشوند باید ملتزم بشوند که اگر با اهالی مملکت خودشان اختلافی پیدا کردند با حکمیت آن اختلاف را رفع کنند. این بود که بنده عرض کردم دنیا الان بطرف حفاظ اصل حکمیت میروند و بعلاوه در قضی نقاط این مملکت اجرای اصول حکمیت مقدور است ولی مدافعه برای یک شخصی از یک دعوائی که طرف مقابلش دولت است چه از حیث جهات مادی و چه از حیث اطلاعات غیر مقدور است و تعقیب این فکر از نقطه نظر ضرر و زیان افراد بسیار قابل انتقاد

است. این است که تصور میکنم اگر حضرت آقای نماینده محترم هم موافقت کنند که ابتلائات ناشیه راجع به موضوع خالصجات انتقالی بطریق حکمیت فصل شود بهتر است و به مصلحت متصرفین است برای اینکه اگر دولت خواست به تصرف اشخاص اعتراض کند ناچار است که رجوع بحکمیت کند و برای مردم هم ضرری متصور نیست و تصور ضرر هم ندارد.

مخبر - بنده با پیشنهاد آقای رفیع موافقت میکنم. رفیع - بنده اضافه میکنم در ظرف ده روز. رئیس - پیشنهاد آقای رفیع دوباره قرائت میشود بعد رأی میگیریم.

(بشرح ذیل خوانده شد)

در پیشنهاد آقای شریعت زاده اضافه شود تبصره دوم - اگر حکم دولت عمداً از حضور امتناع ورزید...

رفیع - در ظرف ده روز عمداً (مجدداً پیشنهاد آقای رفیع بمضمون ذیل خوانده شد) تبصره دوم - اگر حکم دولت عمداً در ظرف ده روز از حضور امتناع ورزید حکم و تشخیص حکمهای دیگر قطعی خواهد بود

مخبر - مطلب را بنده قبول میکنم ولی پیشنهاد را مرحمت بفرمائید که عبارتش را اصلاح کنم

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری

(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده دوم اضافه شود تبصره - در صورتیکه یکی از طرفین از تکمیل رأی حکمیت خودداری نماید طرف دیگر میتواند برای اجرای آن بعدلیه مراجعه و عدلیه مکلف است نتیجه حکمیت را بموقع اجرا گذارد

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - در قضایای عادی وقتی که حکم داده

میشود پس از صدور حکم اگر طرف حاضر نشد برای اجراء حکم عدلیه حکم را اجرا میکنند ولی در اینجا که به حکمیت مراجعه میشود یک طرف که دولت است و البته قدرت دارد اگر به ببینید به ضررش تمام میشود ممکن است از اجرای حکم در باره خودش خود داری کند و بالاخره یکی از طرفین ممکن است رأی حکم را اطاعت نکنند ازین جهت بنده این تبصره را پیشنهاد کردم که اگر یکی از طرفین از اجرای رأی حکمیت استنکاف کردند عدلیه آن رأی حکم ها را اجرا کند

مخبر - پیشنهاد آقای دکتر طاهری صحیح است حکم حکمیت را باید محکمه عدلیه بموقع اجرا بگذارد و اینکه اینجا قید کرده اند که اگر یکی از طرفین تمکین نکرد از حکم حکمیت عدلیه میتواند آن حکم را اجرا کند این صحیح است

رئیس - پیشنهاد آقای زوار عین پیشنهاد آقای دکتر طاهری است که در جلسه گذشته پیشنهاد شده و رد شده است زوار - مال آقای دکتر طاهری اینطور نبود رئیس - جلسه گذشته پیشنهادی کرده بودند که اینطور بود. پیشنهاد آقای حقنویس

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده ۲ بعد از جمله غیر قابل اعتراض خواهد بود نوشته شود مگر در مواردی که اعتراض بحکم حکم مطابق اصول محاکات حقوقی جایز است الی آخر

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - البته آقایان متوجه هستند که یکی از طرق رفع اختلاف به دو نفر اصول حکمیت است و برای حکمیت هم یک قوانینی مقرر است که مطابق آن قوانین با اینکه حکم حکم قاطع است باز یک مواردی را تعیین کرده اند که در آن موارد اعتراض به حکم

حکم جایز است. و در این ماده بطور مطلق نوشته شده است که حکم حکم غیر قابل اعتراض است. در صورتیکه اگر حکم حکم تطبیق شود با این مواردی که در قانون اعتراض بحکم حکم را جایز دانسته است این حکم حکم را غیر قابل اعتراض دانستن موجب تجاوز بحقوق یکی از دو طرف خواهد بود. لذا بنده پیشنهاد کردم نوشته شود غیر قابل اعتراض است مگر در آن مواقعی که مطابق قانون اصول محاکات اعتراض بحکم حکم جایز است

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای احتشام زاده

(باین شکل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۲ این جمله اضافه شود و بر طبق رای اکثریت حکم طرف مقابل و دونفری که بقرعه از بین اعضاء دیوان عالی تمیز تعیین میشود رفتار خواهد شد

آقا سید یعقوب - در ولایات از اعضاء تمیز چطور بیری آورند؟!

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - منظور از نوشتن این ماده این است که در کار مردم تسهیل شود بجای اینکه برای رفع یک اختلاف مربوط بخالصه انتقالی مراجعه به عدلیه بکنند و گرفتار بطوع جریانات محاکمه که لازمه محاکم است بشوند این ماده را تنظیم کرده ام که تسهیل بشود. در اجرای حکمیت یک اشکالی ممکن است پیش بیاید من جمله اینکه حکم یکی از طرف ها در موقع عمل استعفا بدهد بنا بر میل آن کسی که او را انتخاب کرده و بالتبع کار مختل بماند و به نتیجه نرسد. این شق را بر طبق پیشنهادی که یکی از آقایان نمایندگان

محترم دادند اشکال این شق را تأمین کرد ولی اگر چنانچه دولت خودداری کند از اینکه حکم خودش را معین کند بالتبجیه حکم دولت کسه معین نشده است حکم ناک هم که باید با تراضی دولت و طرف دولت معین شود تعیین نخواهد شد کار همینطور معوق خواهد ماند یا بر عکس آن کسیکه ملک در تصرف او است و دولت يك اعتراضی دارد از نقطه نظر خالصگی، خودداری کرد از اینکه حکم خودش را تعیین کند و بالتبجیه حکم مشترك هم معین نخواهد شد اینجا در آخر ماده يك عبارتی هست ولی تکلیف را معین نکرده است بنده عبارت را میخوانم و استدعا میکنم آقایان مخصوصاً آقای مخبر توجه فرمایند که اگر چنانچه این نظریه بنده برای جلوگیری از يك اشکالی که ممکن است در طی عمل پیش بیاید صحیح باشد موافقت فرمایند - نوشته: هرگاه متصرفین در مدت مزبوره حکم خود را معین ننمودند حق اعتراضشان ساقط خواهد بود. ولی تکلیفی معین نکرده که چه خواهد شد. بنده اینطور پیشنهاد کردم که وقتی وزارت مالیه با طرف خودداری کرد از تعیین حکم بر طبق رای اکثریت حکم طرف مقابل و دو نفری که بجای حکم مشترك و حکم طرف دیگر بحکم فرعه از دیوان عالی تیز انتخاب میشوند رفتار بشود بین ترتیب جلوگیری میشود از اینکه اشکالی در حکمیت پیش بیاید

بعضی از نمایندگان - در ولایات چه کنند؟

احتشام زاده - توفیر نمیکند در حال بنده منظورم از این پیشنهاد این بود که از این اشکالی که ممکن است از اجرای حکمیت پیش بیاید جلوگیری شود حالا بسته است بنظر آقایان .

مخبر - اگر آقای احتشام زاده وقت فرموده بودند پیشنهاد آقای حج آقا رضا رفیع همین موضوع را تأمین میکرد و دیگر محتاج به تکرار نبود .

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای احتشام زاده را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(هیچکس قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد، پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(شرح آتی خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

حکم طرفین بعد از تعیین حق استعفا ندارند .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عقاید خودم را عرض کنم چون عقیده بنده عملاً طور که در صورت مجلس خوانده شد حکمیت است و باید این قضا با به حکمیت انجام یابد و عقیده ام هم این است که حکمیت الزامی است یعنی بعد از آنکه حکمین قبول کردند دیگر حق استعفا ندارند بکنفر از نمایندگان - چطور میشود؟

آقا سید یعقوب - حالا عرض میکنم بنده آن مسئله را که آقای شیروانی اظهار کردند کاملاً متوجه شدم که میباید حکم تعیین می کنند تا پنج روز باخر مانده استعفا میدهند یا حکم طرف با حکم دولت استعفا میدهد میگوید آزاد هستم، خوب حالا که بنده حکم باشد باید طوری باشد که کار خاتمه پیدا کند و اگر ما به آزادی بگذاریم هی قبول می کنند می آیند و پنج روز باخر مانده استعفا میدهند و هیچوقت قضا یا حل نمیشود، حالا اگر آقای مخبر میتوانند معین کنند و تأمین کنند حکم که میخواهد تعیین شود از اول بفهمد که بعد از تعیین و قبول نباید استعفا بدهد و حالا اگر آقای مخبر قبول میکنند که در یکجائی تأمین کنند که بکطوری نشود محاکماً معطل بکند و هیچوقت نگذرد بنده استرداد میکنم و نظری ندارم. و اگر تأمین نمیشود که بنده کاملاً این عقیده را دارم و ناک ترتیب رفع و قطع دعوی نخواهد شد

مخبر - این موضوع را گمان نمیکند بشود قبول کرد زیرا راهی که دارد اینست که بگوئیم حکم ها را حبس کنند و الا استعفا آزاد است. ولی طرفین باید سعی

کنند که حکم خودشان را نگاه دارند و مراقبت کنند که استعفا ندهند زیرا بموجب پیشنهاد آقای رفیع معین شده است که اگر یکی از حکمین نیاید و حاضر نشود حق آن طرف از بین میرود و طرفین باید سعی کنند که حکمشان بماند یعنی وزارت مالیه و طرف در این باب اقدامات میکنند و راه دیگری درین باب نداریم

آقا سید یعقوب - استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

(باین ترتیب قرائت شد)

پیشنهاد منبایم که تبصره ذیل بماده دوم اضافه شود تبصره - اختلاف بین شخص ناک و متصرف بر طبق قوانین مملکتی بعدلیه رجوع خواهد شد

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - اینجا سابقاً در ضمن مذاکرات آقای مخبر و بعضی از آقایان نمایندگان اینطور مستفاد میشود که نظر اساساً اینست که هرملکی از خالصجات انتقالی که الان در تصرف اشخاصی است آن ملک طلق آن اشخاص است و دست او است و دولت و اگر اختلافی پیدا میشود بین متصرف خواهد بود و دولت در حالی که بین املاک ایران بین اشخاص بر سر این املاک اختلاف متعدده هست بواسطه انقلابات و حوادثی که غالباً اتفاق افتاده ممکن است مردمان ضعیفی بوده اند که بالاخره حق اینها ضایع شده است و حالا این ملک بتصرف فلان شخص در آمده است در همین حال که مجلس شورای ملی يك قانونی وضع میکند که املاک خالصه انتقالی يك صورت خاصی داشته باشد و در ماده دوم تصویب میکند که متصرفین اگر با دولت اختلافی داشته باشند اختلافشان به حکمیت قطع خواهد شد اگر يك شخص ناک یعنی همان شخص ضعیفی که ممکنست در چهار روز قبل حقیق ضایع شده و امروز ممکن است بایک سعی و کوشش داد خواهی بشود او بیاید و ادعا داشته باشد بر این ملک اسناد مثبت و مدارک قاطعه داشته باشد تکلیف او چیست

مجلس شورای ملی که حق کسی را نمیخواهد ضایع کند اگر واقعاً نظر کمیسیون و آقایان اینست که این املاک خالصه انتقالی به تصرف هرکس هست مال او است و او هست و دولت يك مصلحتی در این نظر میبیند بعقیده بنده يك قدری بهتر باید توضیح بدهند. و برای اینکه بعقیده بنده ممکنست يك اشخاصی بر سر این املاک يك ادعاهائی داشته باشند. و در صورتیکه نظر کمیسیون و نمایندگان محترم اینطور نیست و دعوی اشخاص هم وقتی که حق است باید رعایت بشود پس بنده پیشنهاد کردم که اختلاف شخص ناک با متصرف به محاکم صالحه عدلیه رجوع شود. اگر نظر کمیسیون اینطور بوده يك توضیحات بیشتری لازمست

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم موقعی که قانون مرور زمان از مجلس گذشت بعقیده بنده باین مطالب خاتمه داد. چون در همین مجلس يك قانون خاصی برای مرور زمان و قطع دعوی اشخاص گذشت. و این اظهاری هم که حالا حضرتعالی می فرمائید راجع بشخص ناک شبیه بهمان بود. این قانون برای متصرفین و دولت دارد از مجلس شورای ملی میگذرد. اگر این شخص ناک آمد دعوی کرد که این ملک شصت سال پیش هفتاد سال پیش مال من بوده است و الان در تصرف يك کسی است که از طرف دولت انتقال باو پیدا کرده است اگر قانون مرور زمان حق او را صحیح میدانند حق او ثابت است و الا حق او ساقط است و حق ندارد. مدت هم که آقای باسائی پیشنهاد کردند چهل سال بشود در واقع حقیقه در نظر گرفته بودند که این قانون کاملاً عملی بشود و تصور میکنم با گذشتن قانون مرور زمان اصلاً این قانون مورد نداشته باشد.

ضیاء - اگر ده سال پیش باشد چطور؟ چهل سال رسمیت ندارد.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد.

دادگر - بنده پیشنهاد تنفس میکنم و دلایلی عرض میکنم.

رئیس - مخالف دارد

(گفته شد خیر)

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد آقای روحی

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که قسمت حکمیت بکلی ازین ماده حذف شود

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم در اطراف حکمیت و طرز حکمیت کیفیت حکمها مذاکرات زیاد شد و بالاخره هم آقای مخبر بک تصمیمی نگرفتند که یکی ازین پیشنهادات که بعضی از آن هارا هم بنده کافی میدانم قبول فرمایند اینست که بنده پیشنهاد میکنم اصلاً حکمیت از این ماده حذف شود وقتی حکمیت حذف شود بهتر است مراجعه میشود بعدلیه و بنده آنطور که اطلاع دارم آقای وزیر عدلیه بک لایحه بک ماده تهیه کرده اند و قریباً بمجلس خواهند آورد

یاسائی - ۲۵ ماده

روحی - ۲۵ ماده. معذرت میخواهم. و آن این است که احد از متداعین که در محکمه ابتدائی تقاضای حکمیت کردند طرف مقابل مجبور است قبول کند آنوقت شرایطی هم برای حکمیت قائل شده اند. در این صورت بنده صلاح میدانم که این ماده هم ملحق بهمان قسمت حکمیت اولیه بشود وقتی که بعدلیه رفت و در آنجا

طرفین راضی شدند بحکمیت قهراً حکمیت پیش خواهد آمد در هر حال بنده دیگر اینجا حکمیت را لازم نمیدانم.

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - بنده تعجب میکنم از اظهارات نماینده محترم. در صورتیکه بحکمیت و فرمول آن که آقایان اینقدر عقیده مندند دلیل ندارد که در اینجا بخواهیم دعاوی بین مردم را بیک ترتیب دیگری عمل کنیم آقای میفرمایند این قسمت بکلی حذف شود اگر در آتیۀ نزدیکی آقای وزیر عدلیه همچو پیشنهادی کردند و این ماده هم بطور عموم تصویب شد بهتر البته بمقصد نزدیک میشود و آنرا هم نشد و بری این دوره بدست نیامد لا اقل در اینجا از گذراندن این ماده حکمیت ماضری متوجه هیچکس نگردیدیم بلکه بالعکس مردم را ورزیده کرده ایم که در آتیۀ نزدیکی کلیه دعاوی انشاء الله بطریق حکمیت بعمل بیاید. و بنده بطور کلی متعجبم که چرا بعضی از آقایان ازین فکر باید متوحش باشند در صورتیکه این طرز حکمیت چه برای مردم و چه برای دولت انفع است ازینکه در جریان طولان عدلیه بک مدتی بیفتد و تصور میکنم بهتر این است که آقایان هم موافقت فرمایند که ترتیب حکمیت بطوریکه که از کمیسیون پیشنهاد شده تصویب شود

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای روحی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای عدل

(باین شکل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره که آقای یاسائی پیشنهاد کردند حذف شود

رئیس - آقای عدل (اجازه)

عدل - عرض میکنم که پیشنهاد بکه آقای یاسائی فرموده بودند و آقای مخبر قبول کردند بنده تصور میکنم این هم بضرر دولت است و هم بضرر مردم آنجا دو مسئله نوشته شده است یکی اینکه می فرمایند که حکمهای طرفین

باید اهل همان حوزه مالیه باشند با این ترتیب بنده تصور نمیکنم بشود اشخاص را مجبور کرد که بک اشخاص معینی را حکم قرار دهند. و همینطور در باب اینکه سواد فارسی داشته باشند اینهم همانطور است غالباً اشخاصی که ترتیبات ملک را میدانند دهاتی ها هستند بپر مردها هستند که هیچ سواد ندارند هیچوقت نمیشود دولت و متصرفین را مجبور کرد که حکماً بک اشخاص یا سواد یا حکم قرار بدهند و در خارج هم با آقای یاسائی مذاکره کردم گویا مقصود ایشان این بود که آن حکمیت در آن حوزه ای که ملک واقع است باشد و این عبارتی که مرقوم فرموده اند چون کاملاً این مقصود را نمیرساند اینست تصور میکنم که خودشان موافقت فرمایند و آقای مخبر هم موافقت فرمایند که این اصل تنظیم بشود که حکمیت باید در حوزه مالیه ای که ملک در آن واقع است بعمل آید و آن باید مسئله سواد فارسی داشتن هم مسکوت بماند چون آن هم بضرر مردم است و هم بضرر دولت و سلب آزادی از مردم میکند این است که بنده پیشنهاد میکنم اینقسم نوشته شود که حکمیت باید در حوزه مالیه ای که ملک در آنجا واقع است بعمل آید

رئیس - این مطلب را اصلاح کرده اند و در ثانی همینطور پیشنهاد کردند

عدل - بنده هم قبول میکنم و مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای معظمی

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم اول به ماده دوم بعد به تبصره آقای شریعت زاده رأی گرفته شود

رئیس - آقای معظمی

معظمی - مقصود بنده تجزیه است اینجا مسئله را آقایان باندازه ای بزرگ کرده اند که اصل مطلب اینطور ها نیست. این راجع است به خالصجات انتقالی و حکم را هم برای این مطلب معین می کنند که اگر خاصه

انتقالی شد مالیات را مطابق این قانون ارزش میکنند. و اگر اربانی شد مطابق مالیات اربانی میکنند حکم برای تصرف یا غیر تصرف نیست. حکم برای تعیین مالیات است باین جهت بنده پیشنهاد تجزیه کردم.

رئیس - این ماده طوری تنظیم شده است که پیشنهاد جنابعالی را نمیدانم چطور اجرا کنم.

معظمی - تبصره علیحده رأی گرفته شود

رئیس - ماده قرائت میشود آن قسمتی را که میخواهید تجزیه شود بفرمائید

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - در مورد اختلافات حاصله بین دولت و متصرفین در حدود ماده اولی رفع اختلاف بطریق حکمیت خواهد شد باین ترتیب که بکنفر حکم از طرف وزارت مالیه و بکنفر حکم از طرف متصرف و بک حکم مشترک بتراضی طرفین معین میشود در صورت عدم تراضی نسبت بحکم ناک حکمین چهار نفر را معین نموده و یکی از آن چهار نفر بحکم قرعه حکم ناک معین میشود تصمیم هیئت حکمیت به اکثریت برای طرفین قطع و غیر قابل اعتراض خواهد بود. وزارت مالیه مکلف است در ظرف دو سال از تاریخ تصویب این قانون موارد اختلاف را کتباً به متصرفین اخطار نموده و رسید دریافت نماید هرگاه متصرفین در ایران باشند از روز اخطار در ظرف شش ماه و اگر در خارج ایران باشند در ظرف یکسال باید خود یا وکیلشان در وزارت مالیه یا در مرکز حوزه ایالت یا ولایتی که ملک در آنجا واقع است یا مالک در آنجا اقامت دارد حاضر شده و قرار حکمیت را بدهند هرگاه متصرفین در مدت مزبور بدون عذر موجه حکم خود را معین نکردند حق اعتراضشان ساقط خواهد بود و همچنین اگر وزارت مالیه در ظرف مدت مذکوره فوق اعتراض خود را بطرف اخطار نکرد و یا در مدت مقرر حکم خود را تعیین نکرد اعتراض ساقط است و اگر در ضمن جریان حکمیت حکم دولت عمداً در ظرف

ده روز از حضور امتناع ورزید حکم و تشخیص سایر
اعضاء حکمیت قطعی خواهد بود
تبصره ۱ - مادام که رأی هیئت حکمیت صادر نشده
ملک نباید از تصرف متصرفین خارج شود
تبصره ۲ - نسبت بخالصجاتیکه بموجب فرمان دفتری
شده در تصرف اشخاص بوده و فعلاً مورد تعرض و
تصرف دولت است رفع اختلاف بطریق مذکور فوق
بعمل میآید

تبصره ۳ - حکمیت باید در حوزه مالیه که ملک متنازع
فیه در آنجا واقع است بعمل آید
معظمی - همان تبصره يك را بنده عرض میکنم
رئیس - پیشنهاد آقای زوار
(شرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم ماده ۲ حذف شود.

رئیس - آقای زوار
زوار - بایستی تصدیق کنیم که قانون گذاری يك
وظیفه مهمی است قانون هم باید ظوری وضع شود و
بالاخره تمامی هم با قوانین موضوعه مملکتی نداشته باشد
بنده این ماده را از اول تا آخر که خواندم می بینم
علاوه بر اینکه مخالف با اصل صریح قانون اساسی است
بعضی از نمایندگان (با همه) اینطور نیست

زوار - بالاخره اگر قانون گذاری هم باید به هوا و جنجال
تمام شود که نمیشود جان من قربانت بروم بگذارید بنده عرایض
بکنم این تریبون را از دست سرکار نگرفته اند آقای
عدل تشریف می آورید اینجا و جواب بنده را میدهید
در قانون اساسی مصرح است امورات حقوقی تمام راجع
به عدلیه است، مرجع عمومی متظلمین عدلیه است هیچ
فرقی نگذاشته است بین دولت و ملت. حالا اگر آقایان
دلشان بحال دولت میسوزد به ملت هم توجهی بفرمایند
و تشریف بیاورند يك روز به کمیسیون عرایض که
بنده بعضویت آن مفتخرم آنوقت ثابت میشود که اگر
يك چنین ماده بگذرد دیگر هیچکس هیچ چیز ندارد

بنده میدانم این چه تبعیضی است که در اینجا ما
بگذاریم دولت به ملت ادعا دارد برود به عدلیه. ملت
بدولت ادعا دارد برود عدلیه. این چه تبعیضی است؟
حقیقه يك چیز غریبی خواهد بود. این بود که بنده
پیشنهاد کردم که اصلاً یا بایستی هر کس که شکایت دارد
از دولت به عدلیه برود و دولت هم از هر کس شاکی
است برود به عدلیه تا عدلیه آنرا اجرا کند یا لا اقل
این ماده حذف شود.

بعضی از نمایندگان - رأی بگیرید.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - از مجموع اظهارات آقای زوار آنچه
که بنده فهمیدم این بود که عقیده شان برای حذف این
ماده فقط از این جهت بود که این ماده را مخالف قانون
اساسی میدانستند در صورتیکه بنده از این ماده مخالفتی
با قانون اساسی استنباط نمیکنم. زیرا قانون اساسی مرجع
تظلمات و عدلیه میدانند و این معنی سلب صلاحیت يك هیئتی را
که بعنوان هیئت حکمیت از طرف مجلس شورای ملی و بطریق قانون
مصوب از مجلس شورای ملی معین میشوند نمیکند. علاوه در قانون
اساسی مصرح است هیچ محکمه قابل تشکیل نیست مگر بموجب
قانون این را هم اگر ما تصویب کنیم يك محکمه است که
بموجب قانون مصوب از مجلس است. علاوه تا حالا در هیچ
جای دنیا اجرای اصل حکمیت را مخالف قانون اساسی
تشخیص نکرده اند. معیناً بنده خواهش میکنم آقای
زوار موافقت بکنند و این پیشنهادشان را مسترد بدارند
رئیس - در ضمن اینکه به ماده رأی میگیریم تکلیف
پیشنهاد ایشان هم معلوم میشود ماده دوم تقسیم میشود
بسه قسمت اول رأی میگیریم به خود ماده بعد به تبصره
اول بعد به تبصره دوم به ضمیمه تبصره سوم.

زعیم - بنده پیشنهاد کرده بودم ارجاع به کمیسیون
شود.

جمعی از نمایندگان (با همه) - آقا بگذارید رأی
بگیرند.

رئیس - آقای زعیف پیشنهاد ارجاع به کمیسیون
کرده اند آقای زعیف
زعیم - بنده با آقای مخبر هم در خارج مذاکره
کردم یکی از مواد اساسی این قانون این ماده است در
اینجا هم يك پیشنهاد هائی شده با این ماده که آقای
مخبر قبول کرده اند و عبارت هم آتوری که میباید سلیس و درست
باشد نیست، باز هم مواد دیگر در عقبش هست که
آقایان مذاکره کنند این بود که بنده پیشنهاد کردم
این ماده برگردد به کمیسیون و در آنجا اصلاحات لازمه
بشود فردا هم اتفاقاً کمیسیون هست يك نظری در آن
میکنند هم در عبارات هم در اصل موضوع اگر این
چیز هائی که قبول شده است اختلافی در کلیات نظریه
این قانون ندارد همینطور بر میگردد اگر هم مخالفت دارد
اصلاح میشود.

مخبر - عرض میشود دو جلسه است آقایان با کمال
دقت در اطراف این ماده مذاکره کرده اند اذهانت
آقایان حاضر شده دقت فرموده اند، در تنفس در غیر
تنفس صحبت کرده اند. کمیسیون چه میکند؟ خود
حضر تعالی عضو کمیسیون هستید میدانید در کمیسیون بهتر
از اینکه در این جلسه صد نفری مذاکره شده است
حتماً در آن جلسه کمیسیون نمیشود. در اینجا مذاکرات
بقدر کافی شده است حالا بگذارید رأی بگیرند بعد میپردازیم
بسایر مواد.

زعیم - حالا که آقایان مکفی میدانند پس میگیرم
رئیس - رأی گرفته میشود بدو به ماده دوم بدون
تبصره ها. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی میگیریم به تبصره اول.
بعضی از نمایندگان - قرائت شود
(شرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقایانیکه تبصره اول را تصویب می کنند

قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی میگیریم به تبصره دوم
بضمیمه تبصره سوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اکثر بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. رأی میگیریم ماده دوم با سه
تبصره آقایان موافقین قیام فرمایند
(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم
(بان ترتیب خوانده شد)

ماده ۳ - حد اکثر مالیات در املاک خالصه انتقالی
نصف عواید خالص مالکانه است باین معنی که هر يك
از مالکین املاک مزبور از زیاده مالیات فعلی ملک
خود شکایت داشته باشد وزارت مالیه مکلف است معادل
نصف عواید خالص مالکانه را معین نموده و مالیات
خالصگی آن ملک قرار دهد و آنهایی که شکایتی همان مالیات
فعلی را میپردازند مگر اینکه مالیات فعلی کمتر از مالیات
معمولی املاک اربابی باشد در اینصورت وزارت مالیه باید
مالیات آن املاک را تا حد مالیات املاک اربابی ترقی دهد

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در ماده يك بنده يك پیشنهادی کردم
(آقای مخبر باز توجه نمیفرمایند) عرض کردم این قانون
را که ما بنویسیم برای خودمان که در اینجا هستیم بنویسیم
مخصوصاً این قانون خالصه انتقالی که مبتلابه تمام مملکت
ایران است مردم تماماً متوجه فهم این قانون هستند
ولی این قانون بقدری مشکل نوشته شده است که از
طرف مجلس يك عده باید بروند در دهات و این قانون
را مردم بفهمانند و الا این ماده با این شکلی که نوشته
شده است باز همان گیر هائی که بوده است و مأمورین
مالیه و رؤسای مالیه عبارت را يك جور بیمل خودشان
تفسیری کنند و يك جور بیان می کنند که اسباب زحمت
طرف بیچاره میشود. نظر بنده این بود (خدمت آقای
مخبر عرض کردم) موضوع این جا این است که ما می

خواهیم بیان کنیم مالیات خالصات انتقالی چه جور باید باشد. يك نظر بنده این است که ما در دوره چهارم و پنجم و ششم نظرم آن بوده است که اولاً مالیات کلیه املاک معین شود تا آنجا اینکه يك نسق بشود باین معنی که تمام این صور مختلفه که راجع بمالیات است از بین برود ولی در اینجا حالا باز آمده اند و يك صورت های مختلفه ایجاد کرده اند و این اختلاف همیشه بحال خود باقی خواهد ماند و گرفتاری مردم هم همینطور می ماند و رفع زحمت مردم هم نشده است. اینجا آمده است و با يك مقدمات فرضیه يك مطلبی را بیان می کند که اگر دارنده آن خالصه شکایت از زیادتی مالیات کرد فلانقدر بدهد و اگر عوائد او زیاد باشد نصفش را بدهد. دیگر ترتیب آن را معین نکرده است که چه کار باید بکنند دولت نصف این را چه کار کند اگر از مالیات اربابی کمتر بود بیاورد او را تا حد مالیات اربابی یا نه؟ الی آخر ماده که ملاحظه میفرمائید چه طور است در صورتیکه اعضاء محترم کمیسیون ممکن شان بود ماده را این قسم قرار بدهند: ما آمدیم و يك قانون ممیزی گذراندیم و در آن جا معین کردیم که مالیات اربابی صدی سه و نیم است خالصه انتقالی را هم بنده عقیده دارم که همان جور قرار بدهند و خوب است که همان قانون ممیزی را هم این جا قرار بدهیم یعنی صدی سه یا سه و نیم بعنوان ملك اربابی. در این جا میگویند که دولت يك زیادتی دارد خیلی خوب اول تعیین مالیات را بکنید مثل اربابی صدی سه و نیم...

جمعی از نمایندگان - صدی سه است

آقا سید یعقوب - صدی سه بعد راجع زیادتی دولت که بموجب جزو جمع یا فرمان که چندین خروار است و مقداری دولت ادعا دارد تکلیف را معین کنید الان آن متصرف دارد و فریاد می زند داد میزند که ندارد در این صورت دولت باید راجع بآن هم يك رعایتی بکند آقا جان دولت نباید اینقدر ظالم باشد. دولت باید آنجا ها

را ممیزی کنند ببینند این ملکی را که داده است و آن متصرف داد فریاد می کند که بغیر از صدی سه سی خروار بیشتر ندارد در این جا ممیزی کنند در این جا نوشته اند بعضی اینکه این جور واقع شد دولت میباید نصفش را باو بدهد و نصفش را خودش قبول کند بنا بر این باز قضیه حل نمیشود و اشکال سابق باقی میماند و معلوم نمیشود که مالیات این املاک نسبت باملاک اربابی چه ترتیبی است این است که بنده پیشنهادی هم کرده ام که طریق گرفتن مالیات از خالصه انتقالی مطابق همان قانون ممیزی باشد و آن زیادتی هم که نسبت بجزو جمع دارد آن زیادتی را هم تقسیم کند بسنوات و از بین ببرد مثلاً تقسیم کنند به پنج سال یا ده سال یا هر جور که اکثریت تصدیق کند و بنده عقیده ام این است که هر چه ما تسهیلات قائل شویم بهتر است مالیات را همان صدی سه قرار بدهیم و باقی آن را تقسیم کنیم ده ساله یا پنجساله و بصاحب ملك بفروشند.

عراقی - صدی سه و نیم باشد

آقا سید یعقوب - دیگر مستقل کردن و تبصره نوشتن و باین بردن و بالا بردن نمی خواهم عرض کنم که نظر اعضاء کمیسیون بیچ در کلام بوده است لکن این ماده طوری است که باعث سوء فهم است و اسباب اشکال است رفع محذور مردم را هم نمیکند این است که اگر ما این ترتیبی را که عرض کردم در نظر بگیریم هم مالیات ها يك نسق شده است (نسبت باملاک اربابی و غیر از اربابی و هم آن حقی که راجع بدولت است و ما متوجه هستیم از بین نرود تقسیم کرده ایم بسنوات و اخذ کرده ایم ولی این ترتیب اسباب زحمت است و بایستی با يك قدم برای وحدت اوضاع مالیاتی خودمان برداریم و این پیشنهادی را هم که تهیه کرده ام تقدیم میکنم مخبره آقای آقا سید یعقوب خوب است دقت بفرمایند بعرض بنده.. در این لایحه اصل مقصود از وضع این است که مالیات املاک خالصه انتقالی را بصورت املاک اربابی در بیابوریم در صورتی که حق را هم که دولت

برای خودش محفوظ داشته است از بین نرود و این دو مرحله ابتدائی دارد که تا آنها اصلاح نشود این مقصود بعمل نمی آید مسئله اولاً مربوط میشود بماده اولی و يك قدری هم بماده دوم و آن تشخیص و ثبت مالکیت مردم است زیرا هر قدر ما بخواهیم مالیات این املاک را بالا ببریم یا پائین ببریم تا وقتی که هنوز راه تعرض دولت نسبت بمالکیت اشخاص بسته نشده است و آنها خودشان را هنوز مالک واقعی نمی شناسند نتیجه نخواهیم برد و آن قضیه و شرایط آن مربوط بماده اولی است که در آن جا باید قید شود و راپرت کمیسیون بعد در آن خصوص یعنی راجع به تشخیص مالکیت خواهد رسید..

مرحله دوم - راجع بمالیات این املاک است. این املاک را وقتی که دولت منتقل کرده است باشخاص با جمع عوائد ملکی بوده است. و آنطوریکه آن روز آقای روحی میفرمودند که صد تا یا دویست تا پنج هزاری داده اند و بخشیده اند و فلان نیست.. روحی - همینطور است.

مخبر - خیر. این ملك را حساب کرده اند عابداتش را که در سال چقدر میشود و آن را جمع کردند و دولت این را باین ترتیب یعنی با جمع عوائد ملکی واگذار کرد بفلان شخص و غالباً هم این املاک از این نقطه نظر داده شده است که اشخاص بروند و آنها را آباد کنند خرج کنند و عایدی دولت را هم در ضمن بدهند خودشان هم استفاده کنند در غالب این املاک پس از انتقال آن ملاکین نتوانسته اند جمع دیوانی را بدهند بعد بآنها تخفیف داده اند یا تسعیر کرده اند و چه کرده اند در هر حال باز نتوانسته اند بدهند و کم کم دارد خراب می شود يك قسمت هم خراب شده است آن وقت دولت هم ناچار شده است که با آنها داخل در يك معامله بشود از قبیل تصفیه و باین آوردن نرخ تسعیر با آن ترتیبی که اخیراً ملاحظه فرموده اید یا شنیده اید. که صدی شصت یا صدی هفتاد از عابدات موجوده سالیانه

آنها را می گرفتند ولی این مبلغ یا مقداری را که می گرفتند هنوز بمالیات جزو جمعی آنها غیر سدا امروزه که ما می خواهیم این جا عمل کنیم باید اول به بیدیم مالیات آنها چقدر است و بطور قطع بدانیم چقدر میشود تا آن تفاوت را بخیریم. در صورتیکه برای يك ملکی که امروز صد خروار بیشتر عایدی ندارد در جزو جمع ۱۵۰ خروار مالیات معین شده است و اگر ما بخواهیم ۱۵۰ خروار را بفروشیم این قدر آن ملك قیمت ندارد که ما بخواهیم از روی جزو جمع دفتری آن را بخیریم یا بفروشیم. فقط راه تسهیلی که بنظر ما آمد این بود که چون سابقاً نسبت بيك قسمت عمده از این املاک تصفیه عمل می شده است یعنی ممیزی کرده اند و معلوم کرده اند که چقدر عایدات خالص مالکانه آن می شده است و بعد همان جور عمل کرده اند نصف را دولت برداشته است نصف را هم مالك و مالك هم چون رعایت کاملی در حق او شده بود قبول می کرد در این جا هم ما آمده ایم و اصل تصفیه را در نظر گرفتیم که این قاعده تعمیم شده باشد ولی البته نسبت باشخاصی که شکایت دارند از زیادتی منال شان اما اگر کسی می خواهد مالیات جزو جمعی خودش را بدهد و شکایتی هم ندارد ما هم بالاخره حرفی نداریم خوب بدهد. ولی خوب اگر چنانچه نمی تواند از عهده برآید ما برای اینکه يك حد ثابتی برای مالیات آن معین کنیم که تکلیف قطعی مالیات این املاک را معین کنیم نصف قرار دادیم که هر کس از زیادتی منال دیوانی خودش (منال خالصگی) شکایت دارد دولت ببايد معین کند که عابدات این ملك چقدر است ممیزی کنند نصفش را خودش ببرد نصفش را هم مالك بر دارد بعبارة اخری مالیات خالصگی يك حد اعلائی پیدا می کند که نصف عوائد مالکانه است حد اقلش هم همان میزان است که حالا دارند میدهند هر چه میخواهد باشد حالا اگر در این ضمن يك املاکی پیدا بشوند که کمتر از میزان مالیات اربابی میدهند چون جنبه عمومی دارد آن را هم دولت حق دارد

تا حد املاك شخصی ترقی بدهد این قاعده ایست که اصولا ما برای این کار اتخاذ کرده ایم پس از آنکه تصمیم قطعی در خصوص مالیات این املاك گرفته شد آنوقت باید مرحله سیم را بیابیم و معلوم کنیم یعنی از روی قانون تمیزی املاك اربابی به بینیم که مالیات آنها چه میشود و تفاوت را (از ماخذ مالیات خالصگی) که حد اعلاي آن تنصیف عایدات مالکانه خواهد بود بمالك بفروشیم. یعنی آن مرحله که فرمودید ولی اینکار قبل از اینکه مرحله دوم قطع شود اسباب اشکال است و نمیشود اعمال کرد و از عهده بر آمد و مالك نمیتواند از عهده خریداری بر آید پس باید این قسمت را قطع کرد و يك حد اعلا و حد نصابی برای املاك خالصه انتقالی ثابت کرد پس از آن تفاوتش را فروخت.

رئیس -- آقای مخبر به بنده تذکر دادند که در ماده سوم در سطر اول بعد از عوائد لفظ بتوسط باید اضافه شود آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری -- بنده در این ماده عرضی ندارم

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- آقایان محترم از بنده مطلع تر هستند که جهات انتقالی املاك مختلف بوده است یکی از موجباتش این بوده است که حقیقه دولت برای اینکه ملك معموره تر بشود و عایدی خودش بیشتر شود ملکش را بشخصی انتقال داده است هر ملک که اینطور است ملاحظه فرمائید بطور طبیعی عایدش خیلی زیاد هم که می شده است و بدولت داده می شده است غالب اوقات دیده می شده است آن شخص که ملك بهش انتقال داده میشده است از عهده اش بر نمی آمده است و شکایات هم میشده است راجع باین قسمت. بعضی اوقات حکومت استبدادی رای اینکه يك علاقه مخصوصی به بعضی اشخاص داشته همچو مقتضی میدانسته است که يك ملكی را بیک کسی انتقال بدهد و مالیات هم مقرر میداشته است که خیلی کم بوده است عایدش هم زیاد. پولی هم که بدولت میداده

است بسیار کم. یکی از طرفش هم این بوده است حکامی که مالیات را اجاره میکردند و می رفتند آن ها بواسطه يك اشتباه کارها يك مالیات خیلی کم مقرر داشتند و يك فرمائی برای خود شان صادر می کردند که بر طبق آن فرمان باید آن مالیات را سالیانه بپردازند ولی عوائدشان در مقابل آنچه می پرداختند فوق العاده غیر متناسب بوده است مثلاً من اطلاع دارم ملكی را که سالی دو هزار تومان بدولت بیشتر نمیداده است سالی ۲۵ هزار تومان عایدی داشته (یعنی ۲۵ هزار تومان از بدبخت ترین مردم گرفته میشود علاوه بر آن پولهاییکه ما مورین شان میگیرند) سالی دو هزار تومان فقط بدولت میدهند خوب این حال مردم حالا بیابیم به بینیم در این قانون چطور در نظر گرفته اند؟ می گویند اگر کسی شکایتی ندارد که خوب همان دو هزار تومان را بدهد و آنها هم همان ۲۵ هزار تومان را از مردم بگیرند و آنها هم که شکایت دارند که عبارت از همان مردمان هستند که مالیات شان خیلی زیاد بوده است که عرض کردم که ملك را داده اند بآنها که معمور کنند و معمور هم کرده اند ولی حالا از عهده نادبه مالیات بر نمی آیند میگویند که تمام عایداتش را در نظر بگیریم و حد متوسطش را با اندازه صدی ۵۰ برسانیم -- بنده عقیده ام این است که باید مالیاتی که ما راجع بخالصجات انتقالی در نظر میگیریم بطور تساوی باشد نه اینکه فیما بین اشخاص اینهمه تفاوت قائل بشویم از صدی سه و نیم الی صدی پنجاه؟! آخر ملاحظه فرمائید اگر شما يك متاعی داشته باشید بخواهید حمل کنید بيك نقطه یکی ۵۰ تومان نرخ کرایه را قرار میدهد بيك دلائی و دیگری ۲۵ تومان قرار میدهد البته آن کسی که ۵۰ تومان میدهد در مقابل آن ۲۵ تومانی نمیتواند مقاومت کند بيك کسی هم که صدی ۵۰ مالیات میدهد این در مقابل آن کسی که صدی ده میدهد نمی تواند مقاومت کند. پس برای چه شما يك شکلی که متحد و متساوی باشد نسبت بنام این

املاك در نظر نمیگیرید؟ مساوی قرار بدهید بگوئید از عایدات خالص صدی شصت بدهد بدولت زیاد است صدی سی زیاد است صدی بیست زیاد است صدی ده صدی سه صدی يك ولی بشرطی که همه يك نواخت و یکسان باشد نه اینکه یکی صدی ۵۰ یکی صدی ۳ آخر این شأن مجلس شورای ملی نیست که باین شکل قانون گذاری کند بنده عرض میکنم که این ترتیب بيك اثر سوء و فوق العاده بدی نسبت بزندانگان مردم دارد بجهت همین اختلافاتی که قائل شده اند این است که بنده عرض میکنم و تکرار میکنم که هر نسبتی را که در نظر میگیرند باید متساوی باشد و فرقی درش قائل نشوند و بنده حالا در مبلغش عرضی ندارم ولی باید همه متساوی باشد

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- بنده البته يك قسمت از فرمایشات نماینده محترم را که خودشان هم گوش نمیدهند تصدیق میکنم که بيك افراط و تفریط هائی در موقع انتقال این خالصجات شده است شبیه ندارد بعضی ها تمام مالیات را قبول کردند و تمام حاصل و عایدات مالکانه را قبول کرده اند بعنوان مالیات بعضی ها هم از اول این عنوان را قبول نکردند بعد هم اگر قبول کرده اند بيك تخفیف هائی گرفته اند ولی قانون گذار باید بيك کاری بکند که قانون مشمول تمام افراد باشد. چیز عجیبی است خود آقای کازرونی گوش نمیدهند که جواب فرمایشات شان را بشنوند. قانون گذاری یعنی حکم بر اغلب. یکی دو مورد اتفاق افتاده است که شاید خود نماینده محترم هم گرفتار آن یکی دو مورد باشند و تصدیق می کنم ولی این علت نمیشود که قانون را طوری بنویسند که سایرین مستثنی بشوند و آن دو مورد مشمول ...

کازرونی -- کدام مورد آقا؟ چه میگوئید؟

بامداد -- دشتی و دشتستان نظرشان است آقا جان

دیگر ...

کازرونی -- چیز عجیبی است!! بامداد -- این خیلی واضح است که نظرشان کجا است و آن پیشنهاد قید بهره برداری که در ماده اول شد نظرشان را تأمین می کند، امیدوارم که ناهین کرده باشد معذک که اگر این دو قسمت در ذهن نماینده محترم باشد که اگر بيك مالک متصرفی نخواست با دولت داخل در مذاکره بشود و آن مالیات را ازش بگیرند یعنی اگر همیشه خیلی اجحاف میکردند است بدولت و چون اجحاف میکردند وقتی میخواهد بهمان ترتیبی که الان در تصرفش هست باشد جلو گیری کند ازش و اگر چنانچه کمتر شد از مالیات معمولی بحد مالیات معمولی بالایش برند این را میتوانید پیشنهاد کنید و در مورد پیشنهاد خودتان هم توضیحات مقتضی بدهید البته بنده یکی از اشخاصی هستم که نه از آن قسمت هستم و نه از این قسمت و نظری ندارم و موافقت میکنم کمسیون هم موافقت میکند

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی -- خالصجائی که از طرف دولت بموجب فرامین انتقال یافته است بمردم انواع و اقسام دارد بيك قسمت از خالصجات انتقال پیدا کرده است در ازاء بيك عهده پنججزاری چند تا پنججزاری تقدیم کرده اند و بيك فرمان صادر کرده اند حالا بعضی از آقایان نظرشان این است که همه خالصجات انتقالی که در يد مردم است از این قبیل است در صورتیکه اینطور نیست خیلی از موارد هست که برای عمر آن آبادی و گذار شده است اراضی است که خرابه بوده در خود فرمان هم قید و واگذار شده است حالا ما بیابیم بعد از بيك مدتی که در تصرف مردم بوده است و آبادش کرده اند معمور کرده اند بيك وقتی هم است در رقبه دولتی بوده است و دولت هم بيك جزو جمع قدیمی همینطور میگرفته است که از صدی ۵۰ هم کمتر بوده است بگوئیم که حتماً باید برسد صدی ۵۰؟ مثلاً اگر عایداتش صدی چهل بوده است و همینقدر گرفته میشده

است و خود مالك و متصرف فعلی ما شاکی است که این صدي ۴۸ زیاد است و نمیتواند بدهد ما بیائیم و صدي ۵۰ بکنیم این که ظلم است اگر از صدي ۴۰ فرضاً شکایت داشتند بموجب این قانون بیابند و رسیدگی کنند و صدي ۵۰ بکنند؟ نتیجه این ماده این میشود دیگر بعقیده بنده این ماده خوب و مطابق منظور آقایان درست تنظیم نشده است و اولاً باید يك فکری بکنند آقایان و يك استثنائی قائل شوند مخصوصاً برای خالصجات انتقالی که برای عمران و آبادی واگذار شده است اگر بفرمایند رجوع شود بیشتر خالصجاتی که در دوره ناصرالدین شاه واگذار شده است در فرمان قید شده است که برای آبادی و عمران است در زمان مظفرالدین شاه بدون این شرایط و قیود واگذار شده است و همینطوری داده شده است ولی آنچه که قدیمی تر انتقال یافته است این قیود درش هست. دوم اینکه چه جهت دارد که ما بیائیم و ملك و میزان خالصجات انتقالی را صدي ۵۰ قرار بدهیم؟! چرا نصف عایدات خالص مردم را بگیریم؟ این ترتیب را اگر آقایان محترم درست در نظر بگیرند يك مواردی را که بعضی ها املاك خالصه را بمقت برده اند این قسمت را هم در نظر بگیرند که يك اشخاصی يك املاكی بهشان انتقال یافته است و متصرف شده اند بعد نقل و انتقال یافته است و الان بقیمت املاك اربابی بفروش میرسد خوب چرا رعایت این قسمت را نمیفرمائید؟ در هر صورت بنده عقیده ام این است که صدي ۵۰ زیاد است و باید يك حد وسطی را قائل شد که نظر طرفین رعایت بشود بنده پیشنهادی هم داده ام آقایان میخواهند موافقت کنید میخواهند نکنند بنده عقیده ام این است که خمس عایدات خالص مالیات املاك خالصه انتقالی بشود کافی است صدي ۲۰ از عایدات خالص میزان مالیات باشد که بتوانند بدهند حالا اگر چنانچه صدي ۲۰ را کم میدانید صدي ۲۵ یا صدي سی بکنید بنده هم موافقت میکنم

کازرون - يك خورده چربش کنی باسائی - و ما برای املاك خالصه انتقالی که حقاً ملك مردم است و متصرف هستند و يك زحمانی برای عمران و آبادی آنجا کشیده اند بیائیم و بطور کلی يك قانون بگذرانیم و مطالعه درست نکنیم و نصف قرار بدهیم بعقیده بنده يك ظلم و اجحافی است و خیال می کنم از نقطه نظر ترغیب و تشویق مردم بفلاح و زراعت ما اگر يك گذشت هائی هم در این کار بکنیم بی مورد نکرده ایم. اگر ده تا ملك در این مملکت از این قانون استفاده می کنند ممکن است ولی باید فکر این را هم کرد که يك حوزه مالکینی هستند که باید از این قانون استفاده کنند و ضرر هم بهشان نرسد تا با کمال میل مملکت را آباد کنند. ما می خواهیم قانون وضع کنیم برای املاك خالصجات انتقالی ولی بیشتر نظرها بمتصرفین متمول است: دیگر از عرایضی که بنده دارم و سابق هم عرض کرده ام مسئله خورده مالك است يك املاك خالصه ایست که انتقال پیدا کرده است بدست اشخاص معین بعد رفته اند و تقسیم کرده اند بطور خورده بین اشخاص متفرقه و دست بدست گشته است درست است که این ملك خالصه بوده است درست است که فرمان انتقالش بنام يك شخصی صادر شده است ولی فعالیست از تحقیقات معلوم میشود در دست اشخاص خورده مالك است و در مواردی که باید آن ملك و متصرف اولی استفاده کنند استفاده مردم و پول آن ملك را خورد خورد گرفته است یعنی توی سر مردم و پول آن ملك را خورد خورد گرفته است یعنی آمده است همان پنجه رازی ها را تقدیم کرده است و فرمان گرفته است بعد آمده است بواسطه نفوذی که در محل داشته است زده است توی سر مردم و مردم را مجبور کرده است که باید بخرد و فروخته است و الان هم ملك اربابی مردم است اجدادشان خریده اند یا بارش بهشان رسیده است بکدیگری هم باید برای این قسمت های مالکین خورده کرد و بنده عقیده ام این است

که از خورده مالکین املاك خالصه انتفاع هم مثل املاك املاك اربابی صدي سه و نیم گرفت و زیاد تر نمیشود بر آنها تحمیل کرد بالاخره کسی که الان صاحب ۵۰ شعر فلان ملك خالصه و پدرش و جدش خریده و الان متصرف است ما نباید الان ما و بگوئیم که تو باید نصف عایدت را بدهی بدولت این ظلم است و باید کمیسیون و دولت يك فکری هم برای این قسمت از مالکین کرده باشند (صحیح است) رئیس - آقای بروجردی پیشنهاد ختم جلسه کرده اند زوار - بنده مخالفم بروجردی - بنده عقیده دارم که این ماده سوم قانون خالصجات انتقالی یکی از مواد مهم این قانون است و الان هم ساعت نصف شب است ما هم همه کسالت داریم و آنطوریکه باید دقت کنیم در این قانون نمیتوانیم بعلاوه راجع به تشکیل جلسات هم در آن جلسه اکثریت نبود و ماند باین جلسه يك ربع هم صرف آن کار باید بشود بنا بر این بهتر این است جلسه ختم شود و بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتیه تا از روی دقت مذاکره شود

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - بنده با اینکه مذاکرات بماند برای جلسه آتیه مخالف نیستم ولی باید جواب فرمایشات آقای باسائی داده شود

جمعی از نمایندگان - در جلسه بعد

رئیس - آقای زوار

زوار - عرض کنم که نماینده محترم تذکر دادند که حالا نصف شب است و کسالت داریم خوب در غیر ماه رمضان اول ظهر که میشود گرسنه هستیم ماه رمضان هم که میشود کسالت داریم پنج ماه هم بیشتر با آخر دوره نمانده است قوانین زیادی هم هست که باید درش شور شود راجع باین ماده هم که فرمودند مهم است البته بنده هم معتقدم که اهمیت دارد ولی مذاکرات باندازه کافی شده است خوبشت اجازه بدهند که پیشنهادات قرائت شود

رئیس - رای میگیریم آقایانی که ختم جلسه را تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راجع بجلسات چند فقره پیشنهاد رسیده است اول باید معلوم شود که هفته سه جلسه خواهد بود یا چهار جلسه؟ بعضی از نمایندگان - ۳ جلسه (جمعی گفتند - چهار جلسه)

رئیس - آقای فیروز آبادی چهار جلسه پیشنهاد کرده اند. بفرمائید

فیروز آبادی - بلی نظر باینکه ماه رمضان غالباً مصادف با تعطیل است و در اواخرش هم اعیان و عید است ده بازده روز بیشتر ما نمی توانیم کار کنیم و در این مدت قلیل ما اگر سه جلسه قرار بدهیم بهیچ کاری نمیرسیم و باید همان هفته ۴ جلسه باشد که بتوانیم در قوانین شور کنیم و اگر کمتر قرار بدهیم در ظرف این ده بازده روزه شش هفت جلسه بیشتر نخواهیم داشت و این قدر کافی نیست باین ملاحظه بنده پیشنهاد کرده ام هفته ۴ جلسه باشد که لااقل در این ماه ده جلسه داشته باشیم

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - نماینده محترم باید فکر بفرمایند که در ماه مبارک رمضان اغلب آقایان هم در شبها کمیسیون دارند برای اینکه ممکن است بعضی آقایان روزها نتوانند حاضر بشوند شب حاضر میشوند برای تهیه قوانین مخصوصاً کمیسیون بودجه برای تهیه بودجه ها مشغول است و عنقریب بودجه ها مرتب شده و بشکل يك ماده واحده مثل دوره چهارم میآید بمجلس پس در کمیسیون ها هم باید کارهای زیادی داریم و هفته سه جلسه خیلی خوب است و آقا هم موافقت بفرمایند که ما هم مجلس برسیم هم به کمیسیون که کارها هم عقب نماند (صحیح است) و راجع به تنها هم شب یکشنبه شب سه شنبه و شب پنجشنبه دو و نیم از شب گذشته

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی و پنجشنبه ، رای میگیریم به شبهای يك شنبه و سه شنبه آقایانی که موافقت قیام فرمایند .
(دو سه نفر قیام نمودند)
و پنج شنبه آقایانی که با این سه شب موافقت قیام نمایند
(اکثر بر خاستند)

رئیس -- تصویب نشد رای میگیریم سه جلسه آقایان موافقین قیام نمایند
(اکثر بر خاستند)
رئیس -- تصویب شد
حاج آقا رضا رفیع - دو ساعت و نیم از شب گذشته
جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس -- اکثریت است دو قسم پیشنهاد رسیده است ، یکی شبهای یکشنبه و سه شنبه و پنج شنبه پیشنهاد دیگری هم هست ، شب یکشنبه و دوشنبه
(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)
رئیس -- جلسه ختم میشود جلسه آتیه شب سه شنبه

قانون

تخصیص عوائد راه آهن جلفا به تبریز و کشتی رانی ارومیه

بمرمت و تکمیل مؤسسات مزبوره تا مدت پنج سال

مصوب لیله ششم اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - بوزارتین مالیه و فوائد عامه اجازه داده میشود که عایدات راه آهن جلفا به تبریز و کشتی رانی دریاچه ارومیه را پس از وضع مخارج عادی آن مؤسسات تا مدت پنجسال برای ساختمان و مرمت و خرید لوازم و اثاثیه راه آهن و کشتیهای مزبوره بمصرف برسد
این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه لیله ششم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیرنیا